

## بیانیه تحلیلی حقوقدانان ایران

درباره اقدامات آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی دولتهای همسایه علیه جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

### الف: پیشینه

۱. ترامپ در سال ۲۰۱۸ به طور یکجانبه از برجام، که نتیجه سالها تلاش دولتهای ذیربط بود، خارج شد. پس از آن متاسفانه اروپاییها با سوء نیت و بدون طی تشریفات قانونی مقرر در برجام سازگار ماشه را فعال کردند. متعاقبا آن دولت آمریکا تهدید به مذاکره کرده بود. جمهوری اسلامی ایران نیز با حسن نیت و پایبندی به حاکمیت قانون پذیرفت که مذاکره انجام شود. متاسفانه در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ آمریکاییها به مذاکره و حسن نیت ایران خیانت کردند. در بامداد این روز و در اقدامی کاملاً غافلگیرانه رژیم صهیونیستی با چراغ سبز آمریکا و البته قطعنامه شورای حکام در روز قبل، جنگ تجاوزکارانه ای را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد که ۱۲ روز طول کشید و ایالات متحده آمریکا نیز در این جنگ هم مستقیم و هم غیر مستقیم مشارکت داشت.

۲. پس از آن دوباره ایالات متحده آمریکا و اسرائیل ابتدا با حمایت از گروههای تروریستی و آشوبگران درصدد آن بودند تا یک شبه کودتا در کشور انجام دهند. به دنبال آن آمریکا نیروهای نظامی خود را به سمت خلیج فارس اعزام کرد و تهدید به مذاکره برای توافق کرد. با این حال، جمهوری اسلامی ایران با علم به این که این مذاکره به نتیجه نمی‌رسد، مجدداً با حسن نیت و نشان دادن این که بر اساس ماده ۳۳ منشور ملل متحد به دنبال حل و فصل مسالمت آمیز اختلاف ادعایی است، وارد مذاکرات شد. این اقدام دولت ایران اگر منصفانه نگریسته شود نشان دهنده پای بندی به حاکمیت حقوق بین‌الملل است.

۳. اما متاسفانه دوباره آمریکا در همدستی با رژیم صهیونیستی به اصل حسن نیت، دیپلماسی و مذاکره که با وساطت کشور عمان در حال انجام بود، خیانت کردند و در ۹ اسفند ۱۴۰۴ مصادف با دهم ماه مبارک رمضان ۱۴۴۷ و ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ حمله مسلحانه‌ای را بر خلاف منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کردند و در همان اولین موج حملات خود، حدود ۱۷۰ کودک دبستان شجره طیبه در شهرستان میناب را قربانی بمباران خود ساختند. پس از آن رهبر معظم انقلاب نیز که در منزل و محل کار خود بعنوان یک مکان غیرنظامی حضور داشتند به شهادت رسید.

### ب: تحلیل اقدامات آمریکا، رژیم صهیونیستی و دولتهای همسایه در پرتو حقوق توسل به زور

۴. اقدامات صورت گرفته و در جریان توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی و همچنین اقدام برخی کشورهای همسایه در اجازه دادن به آمریکا برای استفاده از قلمروشان بعنوان پایگاه را می‌توان از نظر حقوق بین‌الملل اقدام تجاوز (یا جنگ تجاوزکارانه) دانست. اقدام تجاوز (یا جنگ تجاوزکارانه) عبارت است از استفاده از زور مسلحانه توسط یک یا چند دولت علیه حاکمیت، تمامیت سرزمینی

یا استقلال سیاسی دولت دیگر یا به هر شیوه دیگری که بر خلاف منشور ملل متحد باشد.

۵. بر اساس منشور ملل متحد به موجب بند ۴ ماده ۲، استفاده از زور در روابط نظامی میان دولت‌ها و همچنین تهدید به استفاده از آن ممنوع است. در این خصوص ذکر این نکته لازم است که استفاده از زور نظامی بر خلاف مقررات منشور ملل متحد و مقررات بنیادین حقوق بین‌الملل مطلقاً ممنوع است. به عبارت دقیق‌تر، تجاوز علیه دولت یا دولت‌های دیگر نقض قاعده آمره در حقوق بین‌الملل است. تنها در دو مورد در منشور ملل متحد استفاده از زور مسلحانه مجاز است:

الف: ماده ۴۲ منشور: زمانی که شورای امنیت سازمان ملل متحد طبق فصل هفتم و به موجب ماده ۳۹ ابتدا تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، نقض صلح و امنیت بین‌المللی یا اقدام تجاوز را احراز نماید و سپس در قالب مواد ۴۱ و ۴۲ استفاده از زور نظامی را اجازه دهد. اقتضای حاکمیت قانون و تفسیر موارد استثناء این است که شورای امنیت باید به طور صریح در تصمیم خود چنین اجازه‌ای را بدهد. بدیهی است که چنین اقدامی باید برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی یا وادار کردن دولت متجاوز به عقب نشینی از مرزهای اشغال شده و توقف اقدامات متخلفانه باشد.

ب: ماده ۵۱ منشور: بر اساس این ماده، وقتی حمله مسلحانه‌ای علیه دولت عضو ملل متحد صورت می‌گیرد، ممنوعیت توسل به زور یا تهدید به استفاده از آن در بند ۴ ماده ۲، لطمه‌ای به حق ذاتی دفاع مشروع جمعی یا فردی دولت قربانی وارد نمی‌کند. به عبارت دیگر، در این موقعیت دولت قربانی از حق ذاتی دفاع مشروع برخوردار است. البته اقدام فردی یا جمعی دولت در مقام دفاع مشروع زمانی متوقف می‌شود که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ کرده باشد. بعلاوه بر اساس این ماده، دولت قربانی اقداماتی را که در این راستا اتخاذ می‌نماید باید به شورای امنیت بلافاصله اطلاع دهد. این اقدامات به هیچ وجه تاثیری بر وظیفه شورا برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ندارد.

۶. بنابر آن چه که در بالا بیان شد، می‌توان گفت اقداماتی که ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران انجام دادند (و در حال انجام است) به طور صریح در مغایرت آشکار با مقررات صریح منشور می‌باشد. استناد به دفاع مشروع پیشدستانه نیز در این جا قابل قبول نیست چرا که هیچ خطر قریب الوقوع یا حتمی الوقوع از سوی ایران قابل تصور نبوده که در مقابل آن چاره‌ای جز توسل به زور مسلحانه نباشد. بر خلاف دولت متجاوز آمریکا و رژیم متجاوز صهیونیستی که سوابق بسیاری در تجاوز و آغاز جنگ‌های تجاوزکارانه دارند، جمهوری اسلامی ایران و بطور کلی ایران در تاریخ معاصر خود حتی یک نمونه اقدام شروع به جنگ ندارد. از سوی دیگر حتی نهادهای امنیتی خود آمریکا نیز چنین برآوردی نداشتند که ایران درصدد یک حمله قریب یا حتمی الوقوع علیه آمریکا یا رژیم صهیونیستی است.

۷. بر عکس، جمهوری اسلامی ایران از نظر حقوقی حق توسل به دفاع مشروع پیشدستانه را داشت حداقل در زمانی که نیروهای آمریکایی در نزدیکی ایران مستقر شدند و با توجه به تهدیدهای جدی دولت آمریکا و همچنین سوابق خطرناک آن بویژه در مورد حمله به ایران در تیرماه و همچنین حمله به ونزوئلا امکان یک حمله حتمی الوقوع وجود داشت.

۸. از جمله مواردی که به موجب قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی در خصوص تعریف تجاوز، مصداق عمل تجاوز یا جنگ تجاوزکارانه است- صرف نظر از این که جنگ اعلام شده باشد یا نه (بویژه در خصوص جنگ تحمیلی فعلی) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

**الف:** تهاجم یا حمله نیروهای مسلح یک یا چند دولت به دولت دیگر: تردیدی نیست که نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی حملات را بر خلاف هر گونه مجوز قانونی علیه کشورمان شروع کردند و متأسفانه کماکان ادامه دارد.

**ب:** بمباران قلمرو دولت دیگر توسط نیروهای مسلح یک یا چند دولت یا استفاده از هر نوع سلاحی توسط یک یا چند دولت علیه قلمرو دولت دیگر: نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در موارد متعدد نقاط مختلفی را در قلمرو کشورمان بمباران کردند و همچنین از موشک و پهپاد علیه کشورمان نیز استفاده کردند.

**ج:** اقدام یک دولت در اجازه دادن به قلمرو خود که در اختیار دولت دیگر قرار داده است مبنی بر این که از آن برای تدارک و اجرای اقدام تجاوز علیه دولت ثالث استفاده شود.

۹. ایالات متحده آمریکا در برخی از دولتهای همسایه و حتی غیر همسایه مثل قبرس، دارای پایگاه نظامی است. به عبارت دقیق‌تر این دولتها بخشی از قلمرو خود را در اختیار دولت آمریکا قرار داده‌اند. ایالات متحده آمریکا از این قلمرو برای اجرای اقدام تجاوز علیه قلمرو جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده است. بنابراین اقدام این دولتها، جدای از اقدام خود ایالات متحد آمریکا، اقدام تجاوز است. اگر چه لزوماً هر اقدام تجاوزی حمله مسلحانه نیست، اما می‌تواند موجب مسئولیت بین‌المللی دولت میزبان شود.

۱۰. افزون بر آن، به موجب یک اصل کلی حقوقی، «هیچ دولتی نباید قلمرو خود را در اختیار دولت یا موجودیت دیگری برای صدمه زدن به دولت ثالثی قرار دهد». دولتهای همسایه اجازه دادند تا ایالات متحده آمریکا از قلمرو آنها برای ارتکاب یک عمل مجرمانه بین‌المللی برای صدمه زدن به قلمرو جمهوری اسلامی ایران استفاده کند.

۱۱. همچنین در صورتی که از قلمرو دولتی اقدامی زیانبار علیه دولت دیگر صورت گیرد، در صورتی که دولت میزبان نتواند یا نخواهد جلوی این اقدام زیانبار را بگیرد یا آن را سرکوب کند دولت قربانی حق دارد تا خود منشاء این اقدام زیانبار را سرکوب کند. این رویه ای است که ایالات متحده آمریکا در موارد متعدد استفاده کرده است حتی در جایی که اقدامی از قلمرو یک دولت توسط یک موجودیت غیر دولت علیه ایالات متحده آمریکا صورت گرفته بود.

۱۲. به علاوه، اقدام تجاوز در صورتی که از حیث ویژگی، شدت و گستره، نقض فاحش منشور ملل متحد باشد، جنایت تجاوز می‌باشد که موجب مسئولیت کیفری برای مقامات سیاسی و نظامی است. اما در عین حال این نکته را نباید فراموش کرد که حمله مسلحانه ایالات متحده آمریکا علیه کشورمان از این پایگاهها بوده و بنابراین جمهوری اسلامی ایران به طور ذاتی از حق دفاع مشروع برای پاسخگویی نسبت به این حمله و از بین بردن منشاء آن برخوردار است. زیرا اولاً: اقدامات مسلحانه ایران علیه پایگاههای آمریکا در کشورهای همسایه نباید بعنوان حمله به خود آن کشورها تلقی شود، بلکه باید حمله به ایالات متحده آمریکا تلقی شود چرا که در آن پایگاه نیروهای مسلح آمریکا حضور دارند که نماد حاکمیت آمریکا می‌باشند. ثانیاً چون اقدام این کشورها همدستی با متجاوز است، ایران حق دارد به پایگاهها و خاک خود این کشورها نیز حمله کند و تا به حال، خویشترن‌داری خارج از عرف، به خرج داده است.

۱۳. از این رو، اقدام ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در آغاز و انجام حملات مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران و ادامه آن و همچنین اقدام برخی دولتهای همسایه یا غیر همسایه در اجازه دادن برای استفاده از قلمروشان به منظور ارتکاب عمل تجاوز، اعمال مجرمانه بین‌المللی دولتهای

مزبور می‌باشد. این اعمال به طور آشکار بر خلاف مقررات حقوق بین‌الملل عرفی، قاعده آمره منع تجاوز و بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد می‌باشد. بعلاوه اقدام آمریکا بر خلاف تعهد این دولت در بیانیه الجزایر مبنی بر عدم مداخله مستقیم یا غیر مستقیم به شکل نظامی یا سیاسی در امور داخلی ایران می‌باشد. در نهایت، اقدام برخی دولتهای همسایه نقض حسن همجواری نیز می‌باشد.

۱۴. اقدامات ایالات متحده آمریکا همچنین به طور مشخص بر خلاف حق تعیین سرنوشت و اصل عدم مداخله در امور داخلی و خارجی دولتهای دیگر است. دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا، عدم مداخله را بعنوان یک اصل بنیادین حقوق بین‌الملل در نظر گرفته است.

### ج: تحلیل اقدامات آمریکا، رژیم صهیونیستی و دولتهای همسایه در پرتو حقوق بین‌الملل بشردوستانه

۱۵. حقوق حاکم در این خصوص، از جمله، عبارتند از: حقوق بین‌الملل عرفی از جمله مقررات لاهه ۱۹۰۷، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ در مورد حمایت از اموال فرهنگی در محاصره مسلحانه؛

۱۶. به موجب ماده ۱۸ کنوانسیون چهارم ژنو «بیمارستان‌های غیرنظامی که برای مراقبت از مجروحان و بیماران، معلولان و زنان باردار تشکیل شده‌اند، تحت هیچ شرایطی نباید هدف حمله قرار گیرند، بلکه باید در همه حال توسط طرف‌های درگیر محترم شمرده شده و مورد حمایت قرار گیرند.»؛

۱۷. به موجب ماده ۲۰ کنوانسیون مزبور «افرادی که به طور منظم و منحصرأ در عملیات و اداره بیمارستان‌های غیرنظامی مشغول به کار هستند، از جمله پرسنلی که در جستجو، جابجایی و حمل و مراقبت از غیرنظامیان زخمی و بیمار، بیماران و زنان باردار مشغول به کار هستند، باید مورد احترام و حمایت قرار گیرند.».

۱۸. بر اساس ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، جمعیت غیرنظامی و افراد غیرنظامی از حمایت عمومی در برابر خطرات ناشی از عملیات نظامی برخوردارند. برای اجرای این حمایت، مقررات زیر که علاوه بر سایر مقررات قابل اجرا در حقوق بین‌الملل هستند، در همه شرایط رعایت می‌شوند:

الف. جمعیت غیرنظامی به خودی خود، و همچنین افراد غیرنظامی، نباید هدف حمله قرار گیرند. اعمال یا تهدیدهای خشونت‌آمیز که هدف اصلی آنها ایجاد رعب و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی است، ممنوع است.

ب. غیرنظامیان از حمایت‌های ارائه شده توسط این بخش بهره‌مند خواهند شد، مگر اینکه و برای مدتی مستقیماً در خصومت‌ها شرکت کنند.

ج. حملات کورکورانه ممنوع است. حملات کورکورانه عبارتند از:

- حملاتی که به یک هدف نظامی خاص هدایت نمی‌شوند؛
- حملاتی که از روش یا وسیله جنگی استفاده می‌کنند که نمی‌توان آن را به یک هدف

### نظامی خاص هدایت کرد؛

- یا حملاتی که از روش یا وسیله جنگی استفاده می‌کنند که اثرات آن را نمی‌توان طبق الزامات این پروتکل محدود کرد؛
  - در نتیجه، در هر یک از این موارد، ماهیتی دارند که به اهداف نظامی و غیرنظامیان یا اشیاء غیرنظامی بدون تمایز ضربه می‌زنند.
- علاوه بر موارد فوق، انواع حملات زیر باید به عنوان حملات کورکورانه در نظر گرفته شوند:
- حمله از طریق بمباران با هر روش یا وسیله‌ای که تعدادی از اهداف نظامی کاملاً جدا و متمایز واقع در یک شهر، شهرستان، روستا یا منطقه دیگری که دارای تمرکز مشابهی از غیرنظامیان یا اشیاء غیرنظامی است را به عنوان یک هدف نظامی واحد در نظر می‌گیرد؛
  - حمله‌ای که انتظار می‌رود باعث تلفات جانی تصادفی غیرنظامیان، آسیب به غیرنظامیان، خسارت به اشیاء غیرنظامی یا ترکیبی از آنها شود، که در مقایسه با مزیت نظامی مشخص و مستقیم پیش‌بینی شده، بیش از حد باشد.
  - حملات علیه جمعیت غیرنظامی یا غیرنظامیان از طریق اقدامات تلافی‌جویانه ممنوع است.

### ۱۹. بر اساس ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی:

- الف.** اشیاء غیرنظامی نباید هدف حمله یا انتقام قرار گیرند. اشیاء غیرنظامی به تمام اشیاء گفته می‌شود که طبق تعریف بند ۲، اهداف نظامی نیستند.
- ب.** حملات باید منحصراً به اهداف نظامی محدود شوند. در مورد اشیاء، اهداف نظامی به اشیاء محدود می‌شوند که از نظر ماهیت، مکان، هدف یا کاربرد، سهم مؤثری در اقدام نظامی دارند و تخریب، تصرف یا خنثی‌سازی کامل یا جزئی آنها، در شرایط حاکم بر آن زمان، مزیت نظامی مشخصی را ارائه می‌دهد.
- ج.** در صورت تردید در مورد اینکه آیا شیء‌ای که معمولاً به اهداف غیرنظامی اختصاص داده شده است، مانند عبادتگاه، خانه یا محل سکونت دیگر یا مدرسه، برای سهم مؤثر در اقدام نظامی استفاده می‌شود، فرض بر این است که چنین استفاده‌ای نمی‌شود.

۲۰. طبق ماده ۵۳ «بدون خدشه به مفاد کنوانسیون لاهه برای حفاظت از اموال فرهنگی در صورت مخاصمه مسلحانه مورخ ۱۴ مه ۱۹۵۴ و سایر اسناد بین‌المللی مربوطه، موارد زیر ممنوع است:

**الف.** ارتکاب هرگونه اقدام خصمانه علیه بناهای تاریخی، آثار هنری یا اماکن مذهبی که میراث فرهنگی یا معنوی مردم را تشکیل می‌دهند».

**ب.** به موجب بند ۲ ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول «حمله، تخریب، حذف یا بی‌فایده کردن اشیاء ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی، مانند مواد غذایی، مناطق کشاورزی برای تولید مواد غذایی، محصولات کشاورزی، دام، تأسیسات و منابع آب آشامیدنی و کارهای آبیاری، به منظور خاص محروم کردن آنها از ارزش معیشتی‌شان برای جمعیت غیرنظامی یا طرف مقابل، صرف نظر از انگیزه، چه به منظور گرسنگی دادن به غیرنظامیان، چه به منظور وادار کردن آنها به ترک محل یا

به هر انگیزه دیگری، ممنوع است.»

ج. به موجب بند ۱ ماده ۵۵ پروتکل الحاقی اول « در جنگ باید دقت شود که محیط زیست طبیعی در برابر خسارات گسترده، بلندمدت و شدید محافظت شود. این حفاظت شامل ممنوعیت استفاده از روش‌ها یا ابزارهای جنگی است که با هدف یا انتظار می‌رود چنین خسارتی به محیط زیست طبیعی وارد کنند و در نتیجه به سلامت یا بقای جمعیت آسیب برسانند.»

د. بر اساس بند ۱ ماده ۵۶ پروتکل الحاقی اول « کارها یا تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک، یعنی سدها، آب‌بندها و ایستگاه‌های تولید برق هسته‌ای، حتی در مواردی که این اشیاء اهداف نظامی باشند، در صورتی که چنین حمله‌ای ممکن است باعث آزاد شدن نیروهای خطرناک و در نتیجه خسارات شدید در بین جمعیت غیرنظامی شود، نباید هدف قرار گیرند. سایر اهداف نظامی واقع در مجاورت این کارها یا تأسیسات، در صورتی که چنین حمله‌ای ممکن است باعث آزاد شدن نیروهای خطرناک از کارها یا تأسیسات و در نتیجه خسارات شدید در بین جمعیت غیرنظامی شود، نباید هدف قرار گیرند.»

ه. به موجب بند ۳ همین ماده «در همه موارد، جمعیت و افراد غیرنظامی همچنان از تمام حمایت‌های اعطا شده توسط حقوق بین‌الملل، از جمله حمایت از اقدامات احتیاطی پیش‌بینی شده در ماده ۵۷، برخوردار خواهند بود. اگر حمایت متوقف شود و هر یک از کارها، تأسیسات یا اهداف نظامی ذکر شده در بند ۱ مورد حمله قرار گیرد، تمام اقدامات احتیاطی عملی برای جلوگیری از آزادسازی نیروهای خطرناک انجام خواهد شد.»

۲۱. به موجب ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول:

الف. در انجام عملیات نظامی، باید مراقبت مداوم برای حفظ جمعیت غیرنظامی، غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی صورت گیرد.

ب. در مورد حملات، اقدامات احتیاطی زیر باید انجام شود:

ب.۱. کسانی که حمله‌ای را برنامه‌ریزی یا تصمیم به انجام آن می‌گیرند، باید:

- ° هر کاری که ممکن است انجام دهند تا تأیید کنند که اهداف مورد حمله نه غیرنظامی هستند و نه اهداف غیرنظامی و مشمول حمایت ویژه نیستند، بلکه اهداف نظامی هستند و حمله به آنها طبق مفاد این پروتکل ممنوع نیست؛
- ° تمام اقدامات احتیاطی ممکن را در انتخاب ابزارها و روش‌های حمله با هدف اجتناب و در هر صورت به حداقل رساندن تلفات تصادفی جان غیرنظامیان، آسیب به غیرنظامیان و خسارت به اهداف غیرنظامی انجام دهند؛
- ° از تصمیم به انجام هرگونه حمله‌ای که انتظار می‌رود باعث تلفات تصادفی جان غیرنظامیان، آسیب به غیرنظامیان، آسیب به اهداف غیرنظامی یا ترکیبی از آنها شود، خودداری کنند، که در مقایسه با مزیت نظامی مشخص و مستقیم پیش‌بینی شده، بیش از حد باشد؛

ب.۲. اگر مشخص شود که هدف، نظامی نیست یا تحت حمایت ویژه است یا اینکه انتظار می‌رود حمله منجر به تلفات جانی تصادفی غیرنظامیان، آسیب به غیرنظامیان، خسارت به اشیاء غیرنظامی یا ترکیبی از آنها شود که در مقایسه با مزیت نظامی مشخص و مستقیم

پیش‌بینی‌شده، بیش از حد باشد، حمله لغو یا به حالت تعلیق در خواهد آمد.

ب.۳. در مورد حملاتی که ممکن است بر جمعیت غیرنظامی تأثیر بگذارد، هشدار قبلی مؤثر داده خواهد شد، مگر اینکه شرایط اجازه ندهد.

ج. هنگامی که انتخاب بین چندین هدف نظامی برای دستیابی به مزیت نظامی مشابه امکان‌پذیر باشد، هدفی که باید انتخاب شود حمله‌ای است که انتظار می‌رود کمترین خطر را برای جان غیرنظامیان و اشیاء غیرنظامی ایجاد کند.

د. در انجام عملیات نظامی در دریا یا هوا، هر طرف درگیر باید مطابق با حقوق و وظایف خود طبق قواعد حقوق بین‌الملل قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه، تمام اقدامات احتیاطی معقول را برای جلوگیری از تلفات جانی غیرنظامیان و خسارت به اشیاء غیرنظامی انجام دهد.

ه. هیچ یک از مفاد این ماده را نمی‌توان به عنوان مجوز هرگونه حمله علیه جمعیت غیرنظامی، غیرنظامیان یا اشیاء غیرنظامی تفسیر کرد.

۲۲. در مجموع می‌توان گفت از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه «حملات عمدی علیه اماکن مذهبی، آموزشی، هنری، علمی خیریه، بناهای تاریخی، بیمارستانها و محل‌های نگهداری بیماران و مجروحان به شرط آن که برای اهداف نظامی استفاده نشوند» جنایت جنگی است.

۲۳. افزون بر آن، «حملات عمدی علیه جمعیت غیرنظامی یا علیه افراد غیرنظامی که در مخاصمات مشارکت مستقیم ندارند؛ حملات عمدی علیه پرسنل، تاسیسات، تجهیزات، واحدها یا وسایل نقلیه درگیر در کمک بشردوستانه یا مأموریت‌های حفظ صلح بر طبق منشور ملل متحد مادام که مستحق حمایت اعطا شده به غیرنظامیان یا اهداف غیرنظامی به موجب حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه می‌باشند؛ حمله عمدی با علم به این که چنین حمله‌ای سبب فوت یا جراحات جانبی به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا صدمه گسترده، دراز مدت و شدید به محیط زیست طبیعی می‌شود که آشکارا در رابطه با مزیت نظامی ملموس و مستقیم قابل پیش‌بینی فراتر است و همچنین حمله یا بمباران شهرها، روستاها یا اماکنی که بی‌دفاع هستند و هدف نظامی نیستند با هر وسیله‌ای که باشد» جنایت جنگی است.

۲۴. حمله به ناو ایریس دنا نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قواعد عرفی مرتبط است. این حمله به‌طور عمدی یک کشتی نظامی را در آب‌های بین‌المللی هدف قرار داد و منجر به کشته شدن ۸۴ ملوان و به خطر افتادن بازماندگان شد، که نقض روشن اصل تمایز میان اهداف نظامی و غیرنظامی و افراد مسلح و غیرمسلح است (کنوانسیون ژنو یکم، ماده ۱۲؛ حقوق عرفی بین‌المللی بشردوستانه، قواعد ۱ و ۷ مطالعه ICRC). همچنین، این اقدام با اصل تناسب که حملاتی را که باعث تلفات غیرنظامیان بیش از حد در مقایسه با مزیت نظامی مستقیم و قابل حصول است ممنوع می‌سازد، مغایرت دارد (پروتکل الحاقی ۱، ماده ۵۱ بند ۵). رعایت اصل احتیاط در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات نظامی نیز مورد غفلت قرار گرفته است (پروتکل الحاقی ۱، ماده ۵۷). علاوه بر این، سبب وارد شدن رنج و آسیب غیرضروری به افراد بی‌دفاع شد که با ممنوعیت استفاده از وسایل و روش‌هایی که باعث رنج و آسیب غیرضروری می‌شوند، مغایرت دارد (حقوق عرفی بین‌المللی بشردوستانه، قاعده ۷۰).

۲۵. از منظر حقوق بین‌الملل عمومی، حمله‌ای در آب‌های بین‌المللی و خارج از مناطق جنگی بدون تهدید فوری، می‌تواند مصداق عمل تجاوزکارانه و نقض ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل متحد تلقی

شود. توصیف نابودی ناو به عنوان یک «مرگ آرام» نشان‌دهنده بی‌توجهی به ارزش حیات انسانی و تعهدات قانونی دولت‌ها است و پیش‌زمینه‌ای خطرناک ایجاد می‌کند که نظم قانونی بین‌المللی را تضعیف می‌نماید.

۲۶. همچنین «کشتن یا مجروح کردن خائنانه افراد ملت یا ارتش دشمن» جنایت جنگی است. در اینجا فریب مذاکره در قتل‌های انجام شده، قابل توجه است و قتل رهبری عالی و مسئولان و فرماندهان، مصداق «کشتن خائنانه» است.

۲۷. به علاوه «تخریب یا تصرف اموال دشمن» جنایت جنگی است مگر این که چنین تخریب یا تصرفی لازمه ضرورت جنگی باشد. همچنین «حملات مستقیم علیه اماکن، تجهیزات، واحدهای پزشکی و حمل و نقل و پرسنلی که نشانه‌های خاص مذکور در کنوانسیون‌های ژنو را بر طبق حقوق بین‌الملل بکار می‌برند» جنایت جنگی است.

۲۸. ایالات متحده آمریکا از طریق پایگاه‌های خود در قلمرو دولتهای ثالث و رژیم صهیونیستی بیمارستانها، زیرساختها، آمبولانس‌ها، بناها و اماکن تاریخی، مدارس، سالن‌های ورزشی، پالایشگاههای نفت و گاز، مخازن نفت، مجتمع‌های تفریحی بین‌راهی، پل‌ها و اتوبانها، مجتمع‌های مسکونی، اموال خصوصی، پارک‌ها، کلانتری‌ها، ایست‌های بازرسی را مورد حمله قرار دادند. همچنین ایالات متحده آمریکا ناو ایرانی دنا را که غیر مسلح و خارج از منطقه جنگی بود عامدانه مورد هدف قرار داد. رژیم صهیونیستی نیز جمعیت غیرنظامی و اهداف غیرنظامی را مورد حمله قرار داد.

۲۹. در اثر حملات هر دو متجاوز، بیش از ۱۱۰ مورد از آثار تاریخی کشور آسیب دیدند. نزدیک به پنجاه هزار واحد مسکونی آسیب دیدند. چندین بیمارستان مورد حمله قرار گرفتند. تقریباً ۲۲۷ زن شهید شدند. حدود ۳۲۱۰ زن مصدوم شدند. ۲۰۴ نفر کمتر از ۱۸ سال و ۱۳ نفر کمتر از ۵ سال از جمله شهدای جنگ رمضان هستند.

۳۰. از این رو می‌توان گفت علاوه بر اقدام تجاوز، در حملات تجاوزکارانه اخیر جنایت جنگی در اشکال مختلف صورت گرفته است.

## د: سازمان‌های بین‌المللی و جنگ تجاوزکارانه آمریکا، رژیم و دولتهای همسایه علیه جمهوری اسلامی ایران

۳۱. نظر به این که اقدام متجاوزین نقض یک قاعده آمره موجد تعهد عام الشمول است، نه تنها دولتها بلکه سازمان‌های بین‌المللی، بعنوان ارکان جامعه بین‌المللی، باید واکنش نشان دهند. این سازمانهای شامل سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای می‌شود.

۳۲. در بخش سازمان‌های جهانی، می‌توان از سازمان ملل متحد نام برد. هدف اصلی سازمان ملل متحد به موجب ماده ۱ منشور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. در همین راستا بر اساس ماده ۲۴ مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با شورای امنیت ملل متحد است. به موجب ماده ۳۹ شورای امنیت تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، نقض آن و عمل تجاوز را احراز نماید. اقدام صورت گرفته علیه ایران بعنوان یک جنگ تجاوزکارانه آغاز شده است. جمهوری اسلامی ایران در چارچوب حقوق بین‌الملل از حق ذاتی دفاع مشروع استفاده می‌کند. شورای امنیت،

اتحادیه اروپا و اتحادیه بریکس، متاسفانه هیچ واکنشی نسبت به اقدامات آمریکا، رژیم صهیونیستی و دولتهای همسایه نداشته‌اند.

۳۳. افزون بر آن، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت است. معنای این عبارت این است که مسئولیت انحصاری با شورای امنیت نیست. نه تنها در جایی که شورای امنیت بعث وتوی یکی از اعضا فلج می‌شود، بلکه به نظرم در جایی که شورای امنیت آشکارا بر خلاف منشور ملل متحد قطعنامه ای را اتخاذ می‌کند، مجمع عمومی باید برای حفاظت از ارزش حمایت شده اقدام کند.

۳۴. در سطح منطقه‌ای می‌توان از اتحادیه اروپا، اتحادیه بریکس، سازمان دولتهای آمریکایی، اتحادیه آفریقایی، اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس، سازمان همکاری اسلامی و سازمان شانگهای نام برد.

### ه: مسئولیت بین‌المللی

۳۵. نخست مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی قابل طرح است. در این خصوص نه تنها ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی بلکه دولتهایی که قلمرو خود را در اختیار این رژیم‌ها برای ارتکاب عمل تجاوز و جنایات جنگی قرار دادند دارای مسئولیت می‌باشند. افزون بر آن هر دولت دیگری که به روش دیگری در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی نقش داشت، دارای مسئولیت می‌باشد. با توجه به آثار مسئولیت، دولتهای متخلف ملزم هستند تا هر چه زودتر به اعمال متخلفانه بین‌المللی خود پایان دهند. پس از آن جبران خسارت دیگر اثر مهم مسئولیت بین‌المللی است.

با توجه به این که اقدامات رژیم‌های مورد بحث عمل تجاوز می‌باشد، بنابراین هر عضو جامعه بین‌المللی مکلف است که نسبت به محکومیت این اعمال، اقدام کند. در صورتی که مبنای صلاحیتی وجود داشته باشد بر اساس ماده ۴۸ طرح مسئولیت بین‌المللی اقدام کند و از هر گونه کمک و مساعدت به متخلفین خودداری کند. ممنوعیت عمل تجاوز بعنوان یک قاعده آمره است که تعهدات عام الشمول یا تعهد در قبال جامعه بین‌المللی در کل را ایجاد می‌کند. سازمان‌های بین‌المللی نیز ملزم به محکوم کردن این اقدامات می‌باشند.

۳۶. علاوه بر مسئولیت بین‌المللی دولت، مسئولیت بین‌المللی سازمانهای بین‌المللی نیز قابل طرح است. این امر بویژه در مورد سازمان ملل متحد و مشخصاً شورای امنیت قابل طرح و بررسی است. مهم‌ترین هدف و تکلیف سازمان ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. با توجه به تحرکات و اقدامات ایالات متحده آمریکا در ماه‌های اخیر کاملاً مشخص بود که ایالات متحده آمریکا ابتدا متوسل به تهدید به استفاده از زور مسلحانه شد امری که در منشور ملل متحد منع شده است. پس از آن متوسل به استفاده غیرقانونی از زور مسلحانه به شکل تجاوز شد. در هر دو مورد شورای امنیت مکلف بود که اقداماتی را برای پیشگیری و یا پس از آن برای توقف عمل تجاوز و نقض صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ کند. از این رو، نقض تعهد بین‌المللی از سوی سازمان ملل متحد چه به صورت ایجابی و چه به صورت ترک فعل، موجب مسئولیت بین‌المللی است.

۳۷. نوع دیگری از مسئولیت که در قبال اقدامات اخیر قابل طرح است، مسئولیت کیفری فردی است. بنابر مقررات طرح مسئولیت بین‌المللی و همچنین رویه قضایی بین‌المللی استناد به مسئولیت

بین‌المللی دولت و یا سازمان بین‌المللی نافی مسئولیت کیفری فردی نیست. به طور مسلم عمل تجاوز ارتكابی توسط متجاوزین، جنایت تجاوز نیز می‌باشد. در نتیجه، مقامات سیاسی و نظامی در خصوص آن مسئولیت کیفری دارند. افزون بر آن در قبال جنایات جنگی ارتكاب یافته در بستر جنایت تجاوز، مسئولیت کیفری مرتکبان، آمران، معاونان و هر کسی که به نحوی نقش داشته است قابل طرح می‌باشد.

به‌طور مشخص در مواردی که از قلمرو دولت اردن یا قبرس- بعنوان دولتهای طرف اساسنامه- حملاتی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام شده باشد امکان مداخله دادستان دیوان بین‌المللی کیفری برای آغاز تحقیقات در مورد جنایت تجاوز- به شرط پذیرش اصلاحات کامپالا توسط اردن- وجود دارد. لازم به ذکر است که قبرس، اصلاحات کامپالا را پذیرفته است.

## و: درخواست‌ها

۳۸. جمهوری اسلامی ایران باید به طور جدی و مستمر از دولتها و نهادهای بین‌المللی برای محکوم کردن اقدامات مجرمانه زیر، و پیگیری مجددانه برای دریافت خسارت و غرامت از مسببان، اقدام نماید:

الف. تجاوز و توسل به زور علیه تمامیت ارضی کشور جمهوری اسلامی ایران؛

ب. حمله عامدانه به مدرسه شجره طیبه در میناب و کشته شدن ۱۷۰ دختر بچه دانش‌آموز، و کشتن کودکان، زنان، از جمله تعداد قابل توجهی از دانشجویان؛

ج. قتل وکلا، قضات و کارشناسان دادگستری در شهر لارستان (استان فارس)؛

د. قتل مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران به خصوص رهبر فقید و اعضای کابینه و مقامات سیاسی؛

ه. تخریب هدفمند آثار باستانی و میراث فرهنگی ایران به خصوص در شهرهای اصفهان (مسجد شاه)، خرم آباد (قلعه فلاک الافلاک)، تهران (مانند کاخ گلستان) و ...؛

و. حمله به تأسیسات شهری، منابع انرژی و زیرساخت‌های حیاتی (از جمله: آب شیرین کن قشم، نیروگاه بوشهر، تأسیسات پالایشگاه عسلویه)؛

ز. ایجاد فجایع زیست‌محیطی (مانند بمباران مخازن نفتی گسترده در داخل شهر تهران و شهرهای دیگر).

۳۹. جمهوری اسلامی ایران، تعهدات حقوق بشر دوستانه دولتهای طرف کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ در ماده ۱\_ مشترک را به آنها یادآور شود تا تضمین نمایند که ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی مقررات این کنوانسیون‌ها و مشخصاً کنوانسیون چهارم و پروتکل اول را رعایت کنند.

۴۰. جمهوری اسلامی ایران، موافقت‌نامه‌های دو جانبه با کشورهای همسایه را مورد بررسی قرار دهد و بر مبنای روش‌های حل و فصل اختلاف پیش‌بینی شده در آنها مسئولیت بین‌المللی آنها را مطرح کند.

۴۱. جمهوری اسلامی ایران- با در نظر داشتن الگوی دعوای آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی و

همچنین گامبیا علیه میانمار- با دولتهای همسو برای طرح دعوا علیه رژیم صهیونیستی و آمریکا وارد مذاکره شود.

۴۲. جمهوری اسلامی ایران ثبت دعوا در دیوان داوری ایران و آمریکا به موجب بیانه الجزایر را در دستور کار خود قرار دهد و همزمان با ثبت دعوا، درخواست اقدامات لازم از دادگاه را بینماید.

۴۳. در راستای اعمال سیاست‌های پیشگیرانه و بازدارنده از تجاوز، به دولت جمهوری اسلامی ایران و مجلس شورای اسلامی ایران توصیه می‌گردد:

الف. ادامه عضویت ایران در معاهده عدم گسترش (NPT) را حسب منافع ملی، بررسی و بازنگری نماید؛

ب. تداوم اعمال محدودیت بر تنگه هرمز به روی کشتی‌های متعلق به طرف‌های مخاصمه و همچنین هر کشوری که در اجرای تحریم‌های ثانویه آمریکا همکاری می‌کند؛

ج. در دستور کار قراردادن تدوین و استقرار رژیم حقوقی جدید برای تنگه هرمز برای آینده؛

د. تصویب فوری لایحه جنایات بین‌المللی، توسط مجلس شورای اسلامی و ابلاغ آن توسط دستگاه‌های ذی‌ربط قضایی و دولتی.

۴۴. دادستانی کل کشور به موجب ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۹۰ قانون آئین دادرسی کیفری و سایر قوانین:

الف. زمینه را برای طرح شکایات در دادگاه‌های داخلی و بین‌المللی علیه مقامات سیاسی و نظامی آمریکایی، صهیونیستی و مقامات دولت‌های همسایه که در این جنگ تجاوزکارانه نقش دارند، فراهم سازد.

ب. مستندات جنایات اخیر، پس از گردآوری و طبقه‌بندی کامل، طی چندمرحله برای سفرای کشورهای مختلف و همچنین سازمان‌های بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای ارسال شود.

ج. تمهیدات و تسهیلات لازم برای اینکه قربانیان جنایات جنگی اخیر به مکاتبات با سازکارهای مکاتبات فردی و معاهده‌ای متوسل شوند، تدارک شود.

۴۵. مسئولیت بین‌المللی سازمان ملل متحد در دستگاه‌های ذی‌ربط به طور مقتضی مطرح و دنبال شود. شورای امنیت طبق ماده ۲۴ منشور ملل متحد مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده دارد. با وجود اعلام صریح و از مدتها پیش توسط دولت آمریکا و همچنین تهدیدهای رژیم و همچنین اعزام نیروهای آمریکا به منطقه شورای امنیت هیچ اقدامی در خصوص پیشگیری از نقض صلح و امنیت بین‌المللی انجام نداد. حتی پس از انجام عمل تجاوز، باز هم بنابراین شورای امنیت در انجام وظیفه خود کوتاهی کرده است. بر اساس ماده ۳۹ شورای امنیت باید وضعیت تهدید علیه صلح، نقض صلح و امنیت بین‌المللی و عمل تجاوز را احراز نماید و بعلاوه طبق مواد ۴۱ و ۴۲ اقدامات مقتضی را در خصوص دولت یا دولتهای متخلف اتخاذ نماید. بنابراین، به موجب حقوق بین‌الملل این شورا و سازمان در مجموع دارای مسئولیت بین‌المللی است. چنین مسئولیتی می‌تواند متوجه شورای همکاری خلیج فارس نیز باشد. این شورا می‌توانست از دولتهای عضو بخواهد که اجازه ندهند از پایگاههای خود برای ارتکاب عمل تجاوز استفاده شود.

۴۶. ضمن استفاده از ظرفیت‌های شورای حقوق بشر، از دبیرکل سازمان ملل متحد برای انجام تحقیقات مستقل در مورد نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه درخواست شود.

۴۷. حقوقدانان و وکلای سراسر دنیا به عنوان حامیان اصلی عدالت در جهان، در موارد زیر به مسئولیت اخلاقی و حرفه‌ای خود عمل کنند:

الف. جنایات مختلف صورت گرفته در جنگ تجاوزکارانه رمضان را به طرق مختلف برای افکار عمومی و خواص دنیا مطرح کنند.

ب. افشای این جنایت‌ها و این که فقط ایران قربانی این نقض‌ها نیست بلکه بشریت و ارزشهای حمایت شده بین‌المللی از قبیل حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی، حمایت از غیرنظامیان و کرامت انسانی در معرض تخریب و نقض قرار گرفتند، مورد تأکید قرار گیرد.

ج. لزوم بیطرفی شورای امنیت و ارکان سازمان ملل و انطباق اقدامات آن با منشور ملل، و تقبیح برخورد دوگانه شورای امنیت و اتحادیه اروپا در مواجهه با تجاوز و جرایم بین‌المللی و بی‌اعتنایی به حقوق مردم ایران، برجسته و علنی شود.

۴۸. دانشگاهیان ایرانی و کانون‌های وکلای ایرانی با هم‌تایان ایرانی و غیرایرانی خود در کشورهای مختلف مکاتبه کنند و برای ادبیات‌سازی و مستندسازی علمی و حرفه‌ای جنایات صورت گرفته علیه کشورمان اقدام کنند. این امر می‌تواند شامل نگارش کتاب، مقاله‌های کوتاه، برگزاری نشست‌های علمی و راه‌اندازی کمپین‌ها باشد.

\*\*\*

در خاتمه یادآوری می‌شود این بیانیه، به عنوان یک سند حقوقی، بر لزوم احترام به حقوق بین‌الملل و ضرورت پاسخگویی به نقض‌های آن تأکید دارد و خواستار اقدام جدی جامعه بین‌المللی در این زمینه می‌باشد.

### جمعی از حقوقدانان ایران

۱ فروردین ۱۴۰۵ ه.ش = ۱ شوال ۱۴۴۷ ه.ق / ۲۱ مارس ۲۰۲۶ م

## **Analytical Statement of Iranian Jurists**

### **Concerning the Actions of the United States, the Zionist Regime, and Certain Neighboring States against the Islamic Republic of Iran**

In the Name of God, the Most Compassionate, the Most Merciful

#### **A: Background**

1. In 2018, President Trump unilaterally withdrew from the JCPOA, which had been the result of years of effort by the relevant States. Subsequently, regrettably, the Europeans, acting in bad faith and without following the legal procedures stipulated in the JCPOA, activated the “snapback mechanism.” Thereafter, the United States government had expressed threats of negotiation. The Islamic Republic of Iran, in turn, acting in good faith and committed to the rule of law, accepted the conduct of negotiations. Unfortunately, on 13 June 2025, the Americans betrayed the negotiations and Iran’s goodwill. In the early hours of that day, in a completely surprise operation and with the green light of the United States—as well as in light of the Board of Governors’ resolution issued the previous day—the Zionist regime launched an act of war of aggression against the Islamic Republic of Iran, which lasted twelve days. The United States also participated in this war both directly and indirectly.

2. Thereafter, the United States and Israel once again, initially through support for terrorist groups and rioters, sought to stage a coup d’état overnight in the country. Subsequently, the United States deployed its military forces toward the Persian Gulf and issued threats of negotiation for an agreement. Nevertheless, the Islamic Republic of Iran, being aware that such negotiations would not yield results, once again acted in good faith and, demonstrating that it sought peaceful settlement of the alleged dispute in accordance with Article 33 of the Charter of the United Nations, entered negotiations. This action by the Iranian government, if assessed fairly, demonstrates adherence to the rule of international law.

3. However, unfortunately, the United States once again, in collusion with the Zionist regime, betrayed the principle of good faith, diplomacy, and negotiations that were being conducted under the mediation of the Sultanate of Oman. On 28 February 2026 (corresponding to 9 Esfand 1404 and 10 Ramadan 1447), they launched an armed attack in violation of the Charter of the United Nations and international law against the Islamic Republic of Iran. In the very first wave of attacks, approximately 170 primary school children of “Shajareh Tayyebah” school in Minab were killed as a result of their bombardment. Subsequently, the Supreme Leader of the Revolution, who was present in his residence and workplace as a civilian location, was also martyred.

### **B: Analysis of the Actions of the United States, the Zionist Regime, and Neighboring States in Light of the Law on the Use of Force**

4. The actions carried out and ongoing by the United States and the Zionist regime, as well as the actions of certain neighboring countries in permitting the United States to use their territory as bases, may be regarded under international law as an act of aggression (or war of aggression). An act of aggression (or war of aggression) consists of the use of armed force by one or more States against the sovereignty, territorial integrity, or political independence of another State, or in any other manner inconsistent with the Charter of the United Nations.

5. Pursuant to the Charter of the United Nations, under Article 2(4), the use of force in interstate relations, as well as the threat thereof, is prohibited. In this regard, it is necessary to note that the use of military force contrary to the provisions of the United Nations Charter and fundamental rules of international law is absolutely prohibited. In other words, aggression against another State constitutes a violation of a peremptory norm (jus cogens) of international law. There are only two exceptions under the UN Charter permitting the use of armed force:

**a. Article 42 of the Charter:** When the Security Council, under Chapter VII and pursuant to Article 39, determines the existence of a threat to international

peace and security, a breach of the peace, or an act of aggression, and subsequently authorizes the use of military force under Articles 41 or 42. The requirements of the rule of law and restrictive interpretation of exceptions dictate that such authorization must be explicitly stated in the Council's decision. Clearly, such action must aim at maintaining or restoring international peace and security, or compelling the aggressor State to withdraw from occupied territories and cease unlawful acts.

**b. Article 51 of the Charter:** Under this provision, when an armed attack occurs against a Member State of the United Nations, the prohibition on the use or threat of force under Article 2(4) does not impair the inherent right of individual or collective self-defense of the victim State. In other words, in such a situation, the victim State enjoys the inherent right of self-defense. However, measures taken in self-defense shall cease when the Security Council has taken the necessary measures to maintain international peace and security. Furthermore, under this Article, measures taken by States in this regard must be immediately reported to the Security Council. Such measures in no way affect the Council's responsibility for maintaining international peace and security.

6. Based on the foregoing, it may be stated that the actions carried out by the United States and the Zionist regime against Iran (and which continue) are in explicit and manifest contradiction with the provisions of the Charter. Invocation of anticipatory self-defense is also not acceptable in this case, since no imminent or inevitable threat from Iran can be envisaged that would justify the use of armed force. Contrary to the United States and the aggressor Zionist regime, which have a long record of aggression and initiation of wars, the Islamic Republic of Iran—and Iran more generally in its contemporary history—has not initiated a single war. Moreover, even U.S. security agencies themselves did not assess that Iran was planning an imminent or inevitable attack against the United States or the Zionist regime.

7. On the contrary, the Islamic Republic of Iran had at least a legal right to invoke anticipatory self-defense at the time when U.S. forces were deployed near Iran, and in light of serious threats by the United States and its dangerous record, particularly its attacks on Iran in July and its attack on Venezuela, an imminent attack was a real possibility.

**8.** Among the acts which, pursuant to General Assembly Resolution 3314 concerning the Definition of Aggression, constitute acts of aggression or war of aggression—whether or not a declaration of war has been made (particularly in relation to the ongoing imposed war)—the following may be mentioned:

**a.** Invasion or attack by the armed forces of one or more States against another State: There is no doubt that the armed forces of the United States and the Zionist regime initiated attacks against our country in violation of any legal authorization and continue them to this day.

**b.** Bombardment by the armed forces of one or more States against the territory of another State, or the use of any weapons by a State against the territory of another State: The armed forces of the United States and the Zionist regime have repeatedly bombed various points within our territory and have also used missiles and drones against our country.

**c.** The act of a State allowing its territory, which has been made available to another State, to be used for the preparation or execution of acts of aggression against a third State.

**9.** The United States maintains military bases in certain neighboring and even non-neighboring States such as Cyprus. In other words, these States have placed part of their territory at the disposal of the United States. The United States has used these territories to carry out acts of aggression against the Islamic Republic of Iran. Therefore, the conduct of these States, independent of that of the United States itself, constitutes participation in aggression. Although not every act of aggression necessarily amounts to an armed attack, it may give rise to international responsibility of the host State.

**10.** Moreover, according to a general principle of law, “no State shall place its territory at the disposal of another State or entity for the purpose of harming a third State.” Neighboring States have allowed the United States to use their territory to commit an internationally wrongful act aimed at harming the territory of the Islamic Republic of Iran.

**11.** Furthermore, where harmful acts originate from the territory of a State against another State, if the host State is unable or unwilling to prevent or suppress such harmful acts, the victim State is entitled to suppress the source of such acts itself. This is a practice that the United States has repeatedly invoked,

even where actions originating from the territory of a State were carried out by a non-State entity against the United States.

**12.** In addition, an act of aggression which, by its character, gravity, and scale, constitutes a manifest violation of the United Nations Charter amounts to the crime of aggression, giving rise to individual criminal responsibility for political and military leaders. It should also be noted that armed attacks by the United States against our country have originated from these bases; therefore, the Islamic Republic of Iran inherently enjoys the right of self-defense to respond to such attacks and to eliminate their source. Accordingly, first, Iranian armed actions against U.S. bases in neighboring countries should not be regarded as attacks against those countries themselves, but rather as attacks against the United States, since U.S. armed forces stationed there represent U.S. sovereignty. Second, since these States are complicit with the aggressor, Iran has the right to strike also the bases and territory of those States, although it has thus far exercised restraint beyond customary standards.

**13.** Accordingly, the actions of the United States and the Zionist regime in initiating, conducting, and continuing armed attacks against the Islamic Republic of Iran, as well as the conduct of certain neighboring or non-neighboring States in permitting the use of their territories for acts of aggression, constitute internationally wrongful acts by those States. These acts are manifestly contrary to customary international law, the peremptory norm prohibiting aggression, and Article 2(4) of the Charter of the United Nations. Moreover, the actions of the United States are contrary to its obligations under the Algiers Declaration regarding non-intervention, directly or indirectly, militarily or politically, in the internal affairs of Iran. Finally, the conduct of certain neighboring States also constitutes a violation of the principle of good neighborliness.

**14.** The actions of the United States are also clearly contrary to the right of self-determination and the principle of non-intervention in the internal and external affairs of other States. The International Court of Justice, in the *Nicaragua v. United States* case, recognized non-intervention as a fundamental principle of international law.

## **C: Analysis of the Actions of the United States, the Zionist Regime, and Neighboring States in Light of International Humanitarian Law**

**15.** The law applicable in this regard includes, inter alia: customary international law, including the 1907 Hague Regulations; the Four Geneva Conventions of 1949; Additional Protocol I of 1977 to the 1949 Geneva Conventions; and the 1954 Hague Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict.

**16.** Pursuant to Article 18 of the Fourth Geneva Convention: “Civilian hospitals organized to provide care for the wounded and sick, the infirm, and maternity cases may in no circumstances be the object of attack but shall at all times be respected and protected by the Parties to the conflict.”

**17.** Pursuant to Article 20 of the said Convention: “Persons regularly and solely engaged in the operation and administration of civilian hospitals, including personnel engaged in the search for, removal, transport and care of wounded and sick civilians, the infirm and maternity cases, shall be respected and protected.”

**18.** Under Article 51 of Additional Protocol I of 1977, the civilian population and individual civilians enjoy general protection against dangers arising from military operations. To ensure this protection, the following rules, in addition to other applicable rules of international law, shall be observed in all circumstances:

**a.** The civilian population as such, as well as individual civilians, shall not be the object of attack. Acts or threats of violence the primary purpose of which is to spread terror among the civilian population are prohibited.

**b.** Civilians shall enjoy the protection afforded by this Section unless and for such time as they take a direct part in hostilities.

**c.** Indiscriminate attacks are prohibited. Indiscriminate attacks are:

- attacks which are not directed at a specific military objective;
- attacks which employ a method or means of combat which cannot be directed at a specific military objective; or

- attacks which employ a method or means of combat the effects of which cannot be limited as required by this Protocol;
- and consequently are of a nature to strike military objectives and civilians or civilian objects without distinction.

In addition to the above, the following types of attacks shall be considered indiscriminate:

- an attack by bombardment by any method or means which treats as a single military objective a number of clearly separated and distinct military objectives located in a city, town, village or other area containing a similar concentration of civilians or civilian objects;
- an attack which may be expected to cause incidental loss of civilian life, injury to civilians, damage to civilian objects, or a combination thereof, which would be excessive in relation to the concrete and direct military advantage anticipated.
- attacks against the civilian population or civilians by way of reprisals are prohibited.

**19. Pursuant to Article 52 of Additional Protocol I:**

**a.** Civilian objects shall not be the object of attack or of reprisals. Civilian objects are all objects which are not military objectives as defined in paragraph 2.

**b.** Attacks shall be strictly limited to military objectives. In so far as objects are concerned, military objectives are limited to those objects which by their nature, location, purpose or use make an effective contribution to military action and whose total or partial destruction, capture or neutralization, in the circumstances ruling at the time, offers a definite military advantage.

**c.** In case of doubt as to whether an object normally dedicated to civilian purposes, such as a place of worship, a house or other dwelling, or a school, is being used to make an effective contribution to military action, it shall be presumed not to be so used.

**20.** Pursuant to Article 53, “without prejudice to the provisions of the Hague Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict of 14 May 1954 and other relevant international instruments, the following are prohibited:

**a.** The commission of any acts of hostility directed against historic monuments, works of art, or places of worship which constitute the cultural or spiritual heritage of peoples.

**b.** Pursuant to Article 54(2) of Additional Protocol I: “It is prohibited to attack, destroy, remove or render useless objects indispensable to the survival of the civilian population, such as foodstuffs, agricultural areas for the production of foodstuffs, crops, livestock, drinking water installations and supplies and irrigation works, for the specific purpose of denying them for their sustenance value to the civilian population or to the adverse Party, whatever the motive, whether in order to starve out civilians, to cause them to move away, or for any other motive.”

**c.** Pursuant to Article 55(1) of Additional Protocol I: “Care shall be taken in warfare to protect the natural environment against widespread, long-term and severe damage. This protection includes a prohibition on the use of methods or means of warfare which are intended, or may be expected, to cause such damage to the natural environment and thereby to prejudice the health or survival of the population.”

**d.** Pursuant to Article 56(1) of Additional Protocol I: “Works or installations containing dangerous forces, namely dams, dykes and nuclear electrical generating stations, shall not be made the object of attack, even where these objects are military objectives, if such attack may cause the release of dangerous forces and consequent severe losses among the civilian population. Other military objectives located at or in the vicinity of these works or installations shall not be made the object of attack if such attack may cause the release of dangerous forces from the works or installations and consequent severe losses among the civilian population.”

**e.** Pursuant to paragraph 3 of the same Article: “In all cases, the civilian population and individual civilians shall remain entitled to all the protections afforded by international law, including the protective measures provided for in Article 57. If the protection ceases and any of the works, installations or military objectives mentioned in paragraph 1 are attacked, all practical precautions shall be taken to avoid the release of the dangerous forces.”

**21.** Pursuant to Article 57 of Additional Protocol I:

**a.** In the conduct of military operations, constant care shall be taken to spare the civilian population, civilians and civilian objects.

**b.** With respect to attacks, the following precautions shall be taken:

b.1. Those who plan or decide upon an attack shall:

Do everything feasible to verify that the objectives to be attacked are neither civilians nor civilian objects and are not subject to special protection, but are military objectives, and that it is not prohibited by the provisions of this Protocol to attack them;

Take all feasible precautions in the choice of means and methods of attack with a view to avoiding, and in any event minimizing, incidental loss of civilian life, injury to civilians and damage to civilian objects;

Refrain from deciding to launch any attack which may be expected to cause incidental loss of civilian life, injury to civilians, damage to civilian objects, or a combination thereof, which would be excessive in relation to the concrete and direct military advantage anticipated;

b.2. An attack shall be cancelled or suspended if it becomes apparent that the objective is not a military one or is subject to special protection, or that the attack may be expected to cause incidental civilian harm which would be excessive in relation to the concrete and direct military advantage anticipated.

b.3. Effective advance warning shall be given of attacks which may affect the civilian population, unless circumstances do not permit.

c. When a choice is possible between several military objectives for obtaining a similar military advantage, the objective to be selected shall be that the attack on which may be expected to cause the least danger to civilian lives and to civilian objects.

d. In the conduct of military operations at sea or in the air, each Party to the conflict shall, in conformity with its rights and duties under the rules of international law applicable in armed conflict, take all reasonable precautions to avoid losses of civilian lives and damage to civilian objects.

e. Nothing in this Article may be construed as authorizing any attacks against the civilian population, civilians or civilian objects.

**22.** In sum, from the perspective of international humanitarian law, “intentionally directing attacks against buildings dedicated to religion, education, art, science or charitable purposes, historic monuments, hospitals, and places where the sick and wounded are collected, provided they are not used for military purposes,” constitutes a war crime.

**23.** Moreover, “intentionally directing attacks against the civilian population or against civilians not taking a direct part in hostilities; intentionally directing attacks against personnel, installations, material, units or vehicles involved in humanitarian assistance or peacekeeping missions in accordance with the Charter of the United Nations, as long as they are entitled to the protection given to civilians or civilian objects under international law; intentionally launching an attack in the knowledge that such attack will cause incidental loss of life or injury to civilians or damage to civilian objects or widespread, long-term and severe damage to the natural environment which would be clearly excessive in relation to the concrete and direct overall military advantage anticipated; as well as attacking or bombarding, by whatever means, undefended towns, villages, dwellings or buildings which are not military objectives” constitute war crimes.

**24.** The attack on the *Iris Dena* constitutes a blatant violation of international humanitarian law and relevant customary rules. The attack deliberately targeted a military vessel in international waters, killing 84 sailors and endangering survivors, in clear breach of the principle of distinction between military and civilian objectives and between combatants and non-combatants (Geneva Convention I, Art. 12; Customary International Humanitarian Law, Rules 1 and 7, ICRC Study). Furthermore, this action violates the principle of proportionality, which prohibits attacks expected to cause excessive civilian or non-combatant casualties in relation to the concrete and direct military advantage anticipated (Additional Protocol I, Art. 51(5)). The obligation to take precautions in planning and executing military operations was also neglected (Additional Protocol I, Art. 57). In addition, it caused unnecessary suffering and harm to defenseless individuals, contrary to the prohibition on the use of means and methods of warfare that cause superfluous injury or unnecessary suffering (Customary International Humanitarian Law, Rule 70).

**25.** From the perspective of general international law, an attack in international waters outside active conflict zones without an immediate threat may constitute an act of aggression and a violation of Article 2(4) of the UN Charter. The characterization of the ship’s destruction as a “quiet death” demonstrates disregard for human life and the legal obligations of states, setting a dangerous precedent that undermines the international legal order.

**26.** Furthermore, “killing or wounding treacherously individuals belonging to the hostile nation or army” constitutes a war crime. In this context, the deception of negotiations in the killings carried out is noteworthy, and the killing of high leadership, officials, and commanders constitutes “treacherous killing.”

**27.** In addition, “the destruction or seizure of enemy property” constitutes a war crime unless such destruction or seizure is imperatively demanded by the necessities of war. Likewise, “intentionally directing attacks against buildings, material, medical units and transport, and personnel using the distinctive emblems of the Geneva Conventions in conformity with international law” constitutes a war crime.

**28.** The United States, through its bases in the territories of third States, and the Zionist regime, have attacked hospitals, infrastructure, ambulances, historic buildings and sites, schools, sports halls, oil and gas refineries, oil storage facilities, roadside recreational complexes, bridges and highways, residential complexes, private property, parks, police stations, and checkpoints. The United States also deliberately targeted the Iranian vessel Dena, which was unarmed and outside the zone of hostilities. The Zionist regime likewise attacked civilian populations and civilian objectives.

**29.** As a result of the attacks of both aggressors, more than 110 historical sites in the country were damaged. Nearly fifty thousand residential units were damaged. Several hospitals were attacked. Approximately 227 women were martyred. Around 3,210 women were injured. Two hundred and four persons under the age of 18 and thirteen children under the age of five were among the martyrs of the Ramadan war.

**30.** Accordingly, it may be stated that, in addition to acts of aggression, war crimes in various forms have been committed in the course of the recent aggressive attacks.

## **D: International Organizations and the War of Aggression by the United States, the Regime, and Neighboring States against the Islamic Republic of Iran**

**31.** Given that the acts of the aggressors constitute a breach of a peremptory norm giving rise to obligations erga omnes, not only States but also international organizations, as constituent organs of the international community, are required to react. These organizations include both global and regional organizations.

**32.** At the level of global organizations, the United Nations may be mentioned. The primary purpose of the United Nations, pursuant to Article 1 of its Charter, is the maintenance of international peace and security. In this regard, under Article 24, the primary responsibility for the maintenance of international peace and security rests with the Security Council. Pursuant to Article 39, the Security Council shall determine the existence of any threat to the peace, breach of the peace, or act of aggression. The actions taken against Iran have clearly constituted the initiation of a war of aggression. The Islamic Republic of Iran is exercising its inherent right of self-defense under international law. Unfortunately, the Security Council, the European Union, and the BRICS group have shown no reaction to the actions of the United States, the Zionist regime, and neighboring States.

**33.** Furthermore, the primary responsibility for the maintenance of international peace and security lies with the Security Council. This implies that such responsibility is not exclusive. Not only in cases where the Security Council is paralyzed due to the veto of a member, but also, in our view, where the Security Council adopts resolutions that are manifestly contrary to the United Nations Charter, the General Assembly must act to protect the values at stake.

**34.** At the regional level, mention may be made of the European Union, BRICS, the Organization of American States, the African Union, the League of Arab States, the Gulf Cooperation Council, the Organization of Islamic Cooperation, and the Shanghai Cooperation Organization.

## **E: International Responsibility**

**35.** First, the international responsibility of States for internationally wrongful acts may be invoked. In this regard, not only the United States and the Zionist regime, but also States that placed their territory at the disposal of these regimes for the commission of acts of aggression and war crimes bear responsibility. Moreover, any other State that in any manner participated in the commission of the internationally wrongful act bears responsibility. In light of the legal consequences of responsibility, the responsible States are obliged to cease their internationally wrongful acts without delay. Thereafter, reparation constitutes another key legal consequence of international responsibility.

Given that the acts in question constitute acts of aggression, every member of the international community is under an obligation to condemn such acts. Where jurisdictional basis exists, they must act pursuant to Article 48 of the Articles on State Responsibility and refrain from providing any aid or assistance to the responsible actors. The prohibition of aggression, as a peremptory norm, gives rise to obligations *erga omnes* or obligations owed to the international community as a whole. International organizations are likewise obliged to condemn these acts.

**36.** In addition to State responsibility, the international responsibility of international organizations is also engaged. This is particularly relevant with respect to the United Nations and specifically the Security Council. The most important objective and duty of the United Nations is the maintenance of international peace and security. In light of the actions and developments undertaken by the United States in recent months, it was entirely evident that the United States first resorted to the threat of the use of armed force, which is prohibited under the United Nations Charter. Thereafter, it resorted to the unlawful use of armed force in the form of aggression. In both cases, the Security Council was obliged to take measures to prevent or, subsequently, to halt the act of aggression and the breach of international peace and security. Accordingly, a breach of international obligation by the United Nations, whether through action or omission, gives rise to international responsibility.

**37.** Another form of responsibility relevant to the present situation is individual criminal responsibility. Pursuant to the provisions of the Articles on State Responsibility and international jurisprudence, invocation of State or international organizational responsibility does not preclude individual criminal responsibility. It is beyond doubt that the act of aggression committed by the aggressors also constitutes the crime of aggression. Accordingly, political and military officials bear criminal responsibility therefor. Moreover, in respect of war crimes committed in the context of the crime of aggression, the criminal responsibility of perpetrators, planners, accomplices, and any person otherwise involved may be established.

Specifically, in cases where attacks have been carried out from the territory of Jordan or Cyprus—as States Parties to the Statute—the Office of the Prosecutor of the International Criminal Court may be able to initiate investigations into the crime of aggression, subject to the acceptance of the Kampala Amendments by Jordan. It should be noted that Cyprus has accepted the Kampala Amendments.

## **E: Requests**

**38.** The Islamic Republic of Iran must seriously and continuously pursue actions before States and international institutions to condemn the following criminal acts and to actively seek compensation and reparations from the perpetrators:

- a.** Aggression and use of force against the territorial integrity of the Islamic Republic of Iran;
- b.** The deliberate attack on Shajareh Tayyebbeh School in Minab, resulting in the killing of 170 schoolgirls, and the killing of children, women, including a significant number of students;
- c.** The killing of lawyers, judges, and judicial experts in the city of Laristan (Fars Province);
- d.** The killing of official representatives of the Islamic Republic of Iran, in particular the late Supreme Leader and members of the Cabinet and political officials;

- e.** The deliberate destruction of Iran’s archaeological sites and cultural heritage, particularly in the cities of Isfahan (Shah Mosque), Khorramabad (Falak-ol-Aflak Castle), Tehran (such as Golestan Palace), etc.;
- f.** Attacks on urban infrastructure, energy resources, and critical facilities (including: Qeshm desalination plant, Bushehr power plant, Asaluyeh refinery facilities);
- g.** The creation of environmental disasters (such as the bombing of large oil storage facilities within Tehran and other cities).

**39.** The Islamic Republic of Iran should remind States Parties to the 1949 Geneva Conventions of their obligations under Common Article 1 to ensure respect for these Conventions and to guarantee that the United States and the Zionist regime comply with the provisions thereof, in particular the Fourth Geneva Convention and Additional Protocol I.

**40.** The Islamic Republic of Iran should review its bilateral agreements with neighboring countries and, on the basis of the dispute settlement mechanisms provided therein, invoke their international responsibility.

**41.** The Islamic Republic of Iran—taking into account the model of South Africa’s case against the Zionist regime and The Gambia’s case against Myanmar—should enter into consultations with like-minded States to initiate legal proceedings against the Zionist regime and the United States.

**42.** The Islamic Republic of Iran should place on its agenda the filing of a case before the Iran–United States Claims Tribunal pursuant to the Algiers Declarations, and simultaneously request provisional measures from the Tribunal.

**43.** In order to implement preventive and deterrent policies against aggression, the Government of the Islamic Republic of Iran and the Islamic Consultative Assembly are recommended to:

- a.** Review and reconsider Iran’s continued membership in the Nuclear Non-Proliferation Treaty (NPT) in light of national interests;

- b.** Continue restricting the Strait of Hormuz to vessels belonging to parties to the conflict and to any State cooperating in the implementation of U.S. secondary sanctions;
- c.** Place on the agenda the development and establishment of a new legal regime for the Strait of Hormuz for the future;
- d.** Expedite the adoption of the draft Law on International Crimes by the Islamic Consultative Assembly and its implementation by the relevant judicial and governmental authorities.

**42.** The Office of the Prosecutor General, pursuant to Article 9 of the Islamic Penal Code, Article 290 of the Criminal Procedure Code, and other applicable laws, shall:

- a.** Facilitate the filing of complaints before domestic and international courts against American, Zionist, and neighboring State political and military officials involved in this war of aggression;
- b.** Ensure that documentation of the recent crimes, after full collection and classification, is sent in several stages to ambassadors of various States as well as to international and regional organizations;
- c.** Provide necessary arrangements and facilities to enable victims of recent war crimes to submit communications through individual and treaty-based complaint mechanisms.

**45.** The international responsibility of the United Nations should be appropriately raised and pursued within the relevant bodies. Pursuant to Article 24 of the Charter of the United Nations, the Security Council bears primary responsibility for the maintenance of international peace and security. Despite explicit and long-standing warnings by the United States and threats by the regime, as well as the deployment of U.S. forces in the region, the Security Council failed to take any action to prevent the breach of international peace and security. Even after the commission of the act of aggression, it still failed to act. Accordingly, the Security Council has failed in the discharge of its duties. Under Article 39, the Security Council must determine the existence of a threat to the peace, breach of the peace, or act of aggression, and under Articles 41 and 42 adopt appropriate measures against the responsible State or States. Therefore, under international law, the Council and the Organization as a whole bear international responsibility. Such responsibility may also extend to the Gulf

Cooperation Council, which could have required its member States to prevent the use of their bases for acts of aggression.

**46.** In addition, through the capacities of the Human Rights Council, the Secretary-General of the United Nations should be requested to conduct an independent investigation into gross violations of international humanitarian law.

**47.** Jurists and lawyers across the world, as principal advocates of justice, are called upon to fulfill their moral and professional responsibility in the following respects:

**a.** To bring the various crimes committed in the course of the Ramadan war of aggression to the attention of global public opinion and elites through various means;

**b.** To emphasize that these crimes do not only affect Iran as a victim, but that humanity and internationally protected values such as human rights, international peace and security, the protection of civilians, and human dignity are also under threat and subject to violation and destruction;

**c.** To highlight and publicly expose the necessity of the impartiality of the Security Council and United Nations organs, their compliance with the Charter of the United Nations, and to condemn the double standards of the Security Council and the European Union in addressing aggression and international crimes, as well as their disregard for the rights of the Iranian people.

**48.** Iranian academics and Iranian bar associations are to communicate with their counterparts in Iran and abroad in various countries and take steps toward the scholarly and professional documentation and discourse-building regarding the crimes committed against our country. This may include the writing of books, short articles, the organization of academic conferences, and the launching of campaigns.

\*\*\*

## **Conclusion**

In conclusion, this statement, as a legal document, emphasizes the necessity of respect for international law and the imperative of accountability for its violations, and calls for serious action by the international community in this regard.

**A group of Iranian jurists**

1 Farvardin 1405 H.S. = 1 Shawwal 1447 H.Q. / 21 March 2026 A.D.

## البيان التحليلي لحقوقي إيران بشأن إجراءات الولايات المتحدة الأمريكية والكيان الصهيوني وبعض الدول المجاورة، ضدّ الجمهورية الإسلامية الإيرانية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### أ: السوابق

١. في عام ٢٠١٨، انسحب الرئيس الأمريكي ترامب من جانب واحد من الاتفاق النووي (خطة العمل الشاملة المشتركة)، الذي كان ثمرة سنوات من جهود الدول المعنية. وبعد ذلك، وللأسف، قام الأوروبيون بسوء نية ومن دون اتباع الإجراءات القانونية المنصوص عليها في الاتفاق، بتفعيل آلية الزناد (Snapback Mechanism). وفيما بعد، كانت تلك الحكومة الأمريكية قد لوّحت بإمكانية التفاوض. كما قبلت الجمهورية الإسلامية الإيرانية، بحسن نية والتزام بسيادة القانون، الدخول في مفاوضات. إلا أنه، وللأسف، في ٢٣ خرداد ١٤٠٤، خان الأمريكيون المفاوضات وحسن نية إيران. وفي فجر ذلك اليوم، وفي عمل مباغت بالكامل، بدأ الكيان الصهيوني، بضوء أخضر من الولايات المتحدة، وبالاستناد إلى قرار صادر عن مجلس المحافظين في اليوم السابق، حرباً عدوانية ضدّ الجمهورية الإسلامية الإيرانية استمرت اثني عشر يوماً، وشاركت الولايات المتحدة فيها بشكل مباشر وغير مباشر.

٢. بعد ذلك، سعت الولايات المتحدة والكيان الإسرائيلي مجدداً، عبر دعم الجماعات الإرهابية والمخربين، إلى تنفيذ انقلاب مفاجئ داخل البلاد. وعلى إثر ذلك، قامت الولايات المتحدة بإرسال قواتها العسكرية نحو الخليج الفارسي، مهددةً بالتفاوض من أجل التوصل إلى اتفاق. ومع ذلك، وبإدراك من الجمهورية الإسلامية الإيرانية بأن هذه المفاوضات لن تؤدي إلى نتيجة، فقد دخلت مجدداً في التفاوض بحسن نية، ولإظهار أنها تسعى، استناداً إلى المادة ٣٣ من ميثاق الأمم المتحدة، إلى تسوية سلمية للنزاع المزعوم. وإن هذا الإجراء من الحكومة الإيرانية، إذا ما نُظر إليه بإنصاف، يُظهر التزامها بسيادة القانون الدولي.

٣. إلا أنه، وللأسف، خانت الولايات المتحدة مرة أخرى، بالتواطؤ مع الكيان الصهيوني، مبدأ حسن النية والدبلوماسية والمفاوضات التي كانت تُجرى بوساطة سلطنة عُمان، وفي ٩ اسفند ١٤٠٤، الموافق ١٠ رمضان ١٤٤٧ هـ و ٢٨ فبراير ٢٠٢٦، شنت هجوماً مسلحاً مخالفاً لميثاق الأمم المتحدة والقانون الدولي ضدّ الجمهورية الإسلامية الإيرانية. وفي الموجة الأولى من الهجمات، أودت بالقصف بحياة نحو ١٧٠ طفلاً من مدرسة «شجرة طيبة» الابتدائية في مدينة ميناب. ثم لاحقاً، استشهد القائد الأعلى للثورة الإسلامية، الذي كان موجوداً في منزله ومقر عمله بوصفه مكاناً مدنياً غير عسكري.

## ب: تحليل إجراءات الولايات المتحدة، والكيان الصهيوني، والدول المجاورة في ضوء قانون استخدام القوة

٤. إن الإجراءات التي قامت بها ولا تزال تقوم بها الولايات المتحدة والكيان الصهيوني، وكذلك قيام بعض الدول المجاورة بالسماح للولايات المتحدة باستخدام أراضيها كقواعد عسكرية، يمكن اعتبارها، من منظور القانون الدولي، أعمال عدوان (أو حرب عدوانية). ويُقصد بالعدوان استخدام القوة المسلحة من قبل دولة أو أكثر ضد سيادة دولة أخرى أو سلامتها الإقليمية أو استقلالها السياسي، أو بأي صورة أخرى تتعارض مع ميثاق الأمم المتحدة.

٥. وفقًا لميثاق الأمم المتحدة، وبموجب الفقرة الرابعة من المادة الثانية، يُحظر استخدام القوة في العلاقات الدولية، وكذلك التهديد باستخدامها. وتجدر الإشارة إلى أن استخدام القوة العسكرية خلافًا لأحكام الميثاق وقواعد القانون الدولي الأساسية محظور بشكل مطلق، بل إن العدوان يُعد انتهاكًا لقاعدة أمره (Jus Cogens) في القانون الدولي. ولا يُستثنى من ذلك إلا حالتان:

أ. المادة ٤٢ من الميثاق: عندما يقرر مجلس الأمن، بموجب الفصل السابع واستنادًا إلى المادة ٣٩، وجود تهديد للسلم والأمن الدوليين أو إخلال بهما أو وقوع عمل عدواني، ويأذن لاحقًا باستخدام القوة وفقًا للمادتين ٤١ أو ٤٢. ويقضي مبدأ سيادة القانون أن يكون هذا الإذن صريحًا وواضحًا. ويجب أن يكون الهدف من ذلك حفظ أو استعادة السلم والأمن الدوليين، أو إجبار الدولة المعتدية على الانسحاب ووقف أفعالها غير المشروعة.

ب. المادة ٥١ من الميثاق: تنص على أنه في حال وقوع هجوم مسلح ضد دولة عضو في الأمم المتحدة، فإن حظر استخدام القوة أو التهديد بها لا يمس الحق الطبيعي في الدفاع الشرعي الفردي أو الجماعي. وينتهي هذا الحق متى اتخذ مجلس الأمن التدابير اللازمة. كما يجب إبلاغ المجلس فورًا بالإجراءات المتخذة، دون أن يؤثر ذلك على مسؤوليته في حفظ السلم والأمن الدوليين.

٦. وبناءً على ما سبق، فإن الإجراءات التي قامت بها الولايات المتحدة والكيان الصهيوني ضد إيران (ولا تزال مستمرة) تمثل مخالفة صريحة لأحكام الميثاق. كما أن الادعاء بالدفاع الوقائي غير مقبول هنا، لعدم وجود أي تهديد وشيك أو حتمي من جانب إيران يبرر اللجوء إلى القوة. وعلى عكس الولايات المتحدة والكيان الصهيوني، اللذين لديهما سجل طويل في بدء الحروب العدوانية، فإن الجمهورية الإسلامية الإيرانية، بل وإيران عمومًا في تاريخها المعاصر، لم تبدأ أي حرب. كما أن حتى الأجهزة الأمنية الأمريكية لم تُقدّر وجود تهديد وشيك من إيران.

٧. وعلى العكس، كان من حق الجمهورية الإسلامية الإيرانية، من منظور قانوني، اللجوء إلى الدفاع الشرعي الوقائي، لا سيما عند تمركز القوات الأمريكية قرب حدودها، ومع التهديدات الجدية الصادرة عن

الحكومة الأمريكية وسوابقها الخطيرة، بما في ذلك الهجمات على إيران في يوليو، وكذلك الهجوم على فنزويلا، حيث كان احتمال الهجوم الوشيك قائمًا.

٨. ومن بين الأفعال التي تُعد أعمال عدوان وفقًا لقرار الجمعية العامة رقم ٣٣١٤ بشأن تعريف العدوان، سواء أُعلن عنها أم لا، ما يلي:

أ. قيام قوات دولة أو أكثر بشن هجوم على دولة أخرى: ولا شك أن القوات المسلحة الأمريكية والكيان الصهيوني بدأت الهجمات ضد بلدنا بصورة غير قانونية وما تزال مستمرة.

ب. قصف أراضي دولة أخرى أو استخدام أي نوع من الأسلحة ضدها: وقد قامت القوات الأمريكية والكيان الصهيوني بقصف عدة مناطق داخل أراضي الجمهورية الإسلامية الإيرانية، واستخدمت الصواريخ والطائرات المسيّرة.

ج. قيام دولة بالسماح باستخدام أراضيها من قبل دولة أخرى لشن أو التحضير لعمل عدواني ضد دولة ثالثة.

٩. تمتلك الولايات المتحدة قواعد عسكرية في بعض الدول المجاورة وحتى غير المجاورة مثل قبرص، حيث تم وضع أجزاء من أراضي هذه الدول تحت تصرفها. وقد استخدمت الولايات المتحدة هذه الأراضي لتنفيذ أعمال عدوانية ضد الجمهورية الإسلامية الإيرانية، مما يجعل هذه الدول، بالإضافة إلى الولايات المتحدة نفسها، مسؤولة دوليًا.

١٠. فضلًا عن ذلك، وفقًا لمبدأ قانوني عام: «لا يجوز لأي دولة أن تضع إقليمها تحت تصرف دولة أخرى أو كيان آخر لإلحاق الضرر بدولة ثالثة». وقد سمحت بعض الدول المجاورة باستخدام أراضيها لارتكاب أفعال دولية غير مشروعة ضد إيران.

١١. وفي حال وقوع ضرر من إقليم دولة ما ضد دولة أخرى، وإذا كانت الدولة المضيفة غير قادرة أو غير راغبة في منعه أو قمعه، يحق للدولة المتضررة التصدي لمصدر هذا الضرر. وقد اعتمدت الولايات المتحدة هذا المبدأ في حالات متعددة.

١٢. علاوة على ذلك، إذا بلغ عمل العدوان من حيث طبيعته وشدته ونطاقه حدًا يمثل انتهاكًا جسيمًا للميثاق، فإنه يُعد جريمة عدوان تُرتب مسؤولية جنائية على المسؤولين السياسيين والعسكريين. وبما أن الهجمات الأمريكية على إيران انطلقت من هذه القواعد، فإن إيران حقًا أصيلاً في الدفاع الشرعي، ويجب عدم اعتبار ردودها هجومًا على الدول المضيفة، بل على الولايات المتحدة نفسها. كما أن هذه الدول، لكونها متواطئة مع المعتدي، تتحمل المسؤولية، وقد التزمت إيران حتى الآن بأقصى درجات ضبط النفس.

١٣. وبناءً عليه، فإن أعمال الولايات المتحدة والكيان الصهيوني، وكذلك بعض الدول المجاورة أو غير المجاورة التي سمحت باستخدام أراضيها، تُعد أفعالاً دولية غير مشروعة، وتنتهك القانون الدولي العرفي، والقاعدة الآمرة بحظر العدوان، والفقرة الرابعة من المادة الثانية من ميثاق الأمم المتحدة. كما أن أفعال الولايات المتحدة تخالف التزاماتها بموجب بيان الجزائر بعدم التدخل في الشؤون الإيرانية، كما تشكل انتهاكاً لمبدأ حسن الجوار من جانب بعض الدول المجاورة.

١٤. كما أن هذه الإجراءات تنتهك بوضوح مبدأ حق تقرير المصير، ومبدأ عدم التدخل في الشؤون الداخلية والخارجية للدول. وقد أكدت محكمة العدل الدولية في قضية نيكاراغوا ضد الولايات المتحدة أن عدم التدخل يُعد مبدأً أساسياً في القانون الدولي.

ج: تحليل إجراءات الولايات المتحدة، والكيان الصهيوني، والدول المجاورة في ضوء القانون الدولي الإنساني

١٥. تشمل القواعد الحاكمة في هذا الشأن، من بين أمور أخرى: القانون الدولي العرفي، بما في ذلك لوائح لاهاي لعام ١٩٠٧، واتفاقيات جنيف الأربع لعام ١٩٤٩، والبروتوكول الإضافي الأول لعام ١٩٧٧ الملحق باتفاقيات جنيف، واتفاقية لاهاي لعام ١٩٥٤ بشأن حماية الممتلكات الثقافية في حالة النزاع المسلح.

١٦. وبموجب المادة (١٨) من اتفاقية جنيف الرابعة: «لا يجوز بأي حال من الأحوال أن تُتخذ المستشفيات المدنية المخصصة لرعاية الجرحى والمرضى والعجزة والحوامل أهدافاً للهجوم، بل يجب احترامها وحمايتها في جميع الأوقات من قبل أطراف النزاع.»

١٧. وبموجب المادة (٢٠) من الاتفاقية ذاتها: «يجب احترام وحماية الأشخاص الذين يشتغلون بصفة منتظمة وحصرياً في تشغيل وإدارة المستشفيات المدنية، بمن فيهم العاملون في البحث عن الجرحى والمرضى والحوامل ونقلهم ورعايتهم.»

١٨. وبموجب المادة (٥١) من البروتوكول الإضافي الأول لعام ١٩٧٧، يتمتع السكان المدنيون والأفراد المدنيون بحماية عامة من الأخطار الناجمة عن العمليات العسكرية، ويجب احترام القواعد التالية:

أ. لا يجوز أن يكون السكان المدنيون ككل، وكذلك الأفراد المدنيون، أهدافاً للهجوم. وتحظر أعمال العنف أو التهديد بها التي يكون هدفها الأساسي بث الرعب بين السكان المدنيين.

ب. يتمتع المدنيون بالحماية ما لم يشاركوا مباشرة في الأعمال العدائية وطيلة مدة تلك المشاركة.

ج. تحظر الهجمات العشوائية، وهي:

- الهجمات غير الموجهة إلى هدف عسكري محدد؛
- الهجمات التي تستخدم وسائل أو أساليب لا يمكن توجيهها إلى هدف عسكري محدد؛

- الهجمات التي لا يمكن الحد من آثارها وفق متطلبات البروتوكول؛
  - وبالتالي تكون ذات طابع يضرب الأهداف العسكرية والمدنيين أو الأعيان المدنية دون تمييز.
- وتُعد أيضًا من الهجمات العشوائية:

- القصف الذي يتعامل مع عدة أهداف عسكرية منفصلة داخل مدينة أو قرية أو منطقة مكتظة بالسكان كهدف عسكري واحد؛
- والهجمات التي يُتوقع أن تُحدث خسائر مدنية مفرطة مقارنة بالميزة العسكرية المتوقعة.
- وتحظر الهجمات ضد السكان المدنيين أو المدنيين عن طريق أعمال انتقامية.

١٩. وبموجب المادة (٥٢) من البروتوكول الإضافي الأول:

- أ. لا يجوز أن تكون الأعيان المدنية هدفًا للهجوم أو الانتقام، وتُعرّف الأعيان المدنية بأنها جميع الأعيان التي لا تُعد أهدافًا عسكرية وفق الفقرة (٢).
- ب. تقتصر الهجمات على الأهداف العسكرية، وهي تلك الأعيان التي تُسهم مساهمة فعالة في العمل العسكري من حيث طبيعتها أو موقعها أو غرضها أو استخدامها، والتي يوفر تدميرها أو الاستيلاء عليها أو تعطيلها ميزة عسكرية محددة.
- ج. في حال الشك بشأن ما إذا كان عيّن مدني يُستخدم لأغراض عسكرية، مثل دور العبادة أو المنازل أو المدارس، يُفترض عدم استخدامه لذلك الغرض.

٢٠. وفقًا للمادة ٥٣: «دون الإخلال بأحكام اتفاقية لاهاي لحماية الممتلكات الثقافية في حالة النزاع المسلح المؤرخة في ١٤ مايو/أيار ١٩٥٤ وسائر الصكوك الدولية ذات الصلة، تُحظر الأفعال التالية:

أ. ارتكاب أي عمل عدائي موجّه ضد المباني التاريخية أو الأعمال الفنية أو أماكن العبادة التي تُشكّل التراث الثقافي أو الروحي للشعوب.

ب. وبموجب الفقرة ٢ من المادة ٥٤ من البروتوكول الإضافي الأول: «يُحظر مهاجمة أو تدمير أو إزالة أو تعطيل الأعيان التي لا غنى عنها لبقاء السكان المدنيين، مثل المواد الغذائية، والمناطق الزراعية لإنتاج الأغذية، والمحاصيل، والماشية، ومنشآت ومصادر مياه الشرب، وأعمال الري، وذلك بقصد حرمانها من قيمتها المعيشية للسكان المدنيين أو للطرف الخصم، أيًا كان الدافع، سواء كان بغرض تجويع المدنيين أو إرغامهم على النزوح أو لأي دافع آخر.»

ج. وبموجب الفقرة ١ من المادة ٥٥ من البروتوكول الإضافي الأول: «يجب أثناء الحرب توخي الحرص على حماية البيئة الطبيعية من الأضرار الواسعة الانتشار وطويلة الأمد والشديدة. وتشمل هذه الحماية حظر استخدام أساليب أو وسائل قتال يُقصد بها، أو يُتوقع منها، إحداث مثل هذه الأضرار بالبيئة الطبيعية، بما يضر بصحة السكان أو بقائهم.»

د. وبموجب الفقرة ١ من المادة ٥٦ من البروتوكول الإضافي الأول: «لا يجوز جعل الأشغال أو المنشآت التي تحتوي على قوى خطيرة، أي السدود والحواجز ومحطات توليد الطاقة النووية، هدفًا للهجوم، حتى وإن كانت هذه الأعيان أهدافًا عسكرية، إذا كان من شأن هذا الهجوم أن يؤدي إلى انطلاق تلك القوى الخطرة وبالتالي إحداث خسائر جسيمة بين السكان المدنيين. كما لا يجوز جعل الأهداف العسكرية

الأخرى الواقعة عند هذه الأشغال أو المنشآت أو في جوارها هدفًا للهجوم، إذا كان من شأن هذا الهجوم أن يؤدي إلى انطلاق القوى الخطرة منها وبالتالي إحداث خسائر جسيمة بين السكان المدنيين.»

هـ. وبموجب الفقرة ٣ من المادة نفسها: «في جميع الأحوال، يظل السكان المدنيون والأفراد المدنيون متمتعين بجميع الحماية التي يكفلها القانون الدولي، بما في ذلك الحماية الناشئة عن تدابير الاحتياط المنصوص عليها في المادة ٥٧. وإذا توقفت الحماية، وتعرض أي من الأشغال أو المنشآت أو الأهداف العسكرية المذكورة في الفقرة ١ للهجوم، وجب اتخاذ جميع الاحتياطات العملية لتفادي انطلاق القوى الخطرة.»

٢١. وبموجب المادة (٥٧) من البروتوكول الإضافي الأول:

أ. عند القيام بالعمليات العسكرية، يجب اتخاذ عناية مستمرة للحفاظ على السكان المدنيين والأفراد المدنيين والأعيان المدنية.

ب. وفي ما يتعلق بالهجمات، يجب اتخاذ الاحتياطات التالية:

ب.١. يتعين على الذين يخططون لهجوم أو يقررون تنفيذه:

- بذل كل ما في وسعهم للتحقق من أن الأهداف ليست أهدافًا مدنية أو أعيانًا مدنية أو محمية حماية خاصة، بل أهداف عسكرية لا يحظر هذا البروتوكول استهدافها؛
- اتخاذ جميع الاحتياطات الممكنة في اختيار وسائل وأساليب الهجوم لتفادي، وفي جميع الأحوال تقليل الخسائر العرضية في أرواح المدنيين وإصابتهم بالأضرار بالأعيان المدنية؛
- الامتناع عن اتخاذ قرار شن أي هجوم يُتوقع أن يترتب عليه خسائر عرضية في أرواح المدنيين أو إصابتهم أو أضرار بالأعيان المدنية أو مزيج من ذلك، تكون مفرطة بالقياس إلى الميزة العسكرية المباشرة والملموسة المتوقعة.

ب.٢. إذا تبين أن الهدف ليس عسكريًا، أو أنه يتمتع بحماية خاصة، أو أن الهجوم يُتوقع أن يحدث خسائر مدنية مفرطة بالقياس إلى الميزة العسكرية المتوقعة، وجب إلغاء الهجوم أو تعليقه.

ب.٣. فيما يتعلق بالهجمات التي قد تؤثر في السكان المدنيين، يجب توجيه إنذار مسبق فعال، ما لم تمنع الظروف ذلك.

ج. عند إمكانية الاختيار بين عدة أهداف عسكرية تحقق ميزة عسكرية مماثلة، يجب اختيار الهدف الذي يُتوقع أن يسبب أقل خطر على أرواح المدنيين والأعيان المدنية.

د. في العمليات العسكرية في البحر أو الجو، يتعين على كل طرف متحارب اتخاذ جميع الاحتياطات المعقولة لتفادي إلحاق الأذى بالمدنيين والأعيان المدنية وفقًا لقواعد القانون الدولي الإنساني.

هـ. لا يجوز تفسير أي حكم من هذه المادة على أنه يجيز أي هجوم ضد السكان المدنيين أو الأفراد المدنيين أو الأعيان المدنية.

٢٢. وبوجه عام، يمكن القول من منظور القانون الدولي الإنساني إن «الهجمات العمدية ضد الأماكن الدينية أو التعليمية أو الفنية أو العلمية أو الخيرية أو الآثار التاريخية أو المستشفيات أو أماكن إيواء المرضى والجرحى، ما لم تكن مستخدمة لأغراض عسكرية، تُعد جرائم حرب».

٢٣. كما أن «الهجمات العمدية ضد السكان المدنيين أو الأفراد المدنيين الذين لا يشاركون مباشرة في الأعمال العدائية؛ والهجمات العمدية ضد الموظفين أو المنشآت أو المعدات أو الوحدات أو وسائل النقل المشاركة في المساعدات الإنسانية أو بعثات حفظ السلام؛ والهجمات العمدية مع العلم بأنها ستحدث وفيات أو إصابات مدنية عرضية أو أضرارًا مفرطة بالأعيان المدنية أو أضرارًا جسيمة وطويلة الأمد بالبيئة الطبيعية بما يتجاوز بوضوح الميزة العسكرية المتوقعة؛ وكذلك الهجمات أو القصف للمدن أو القرى أو المناطق غير المحصنة غير العسكرية بأي وسيلة»، تُعد جرائم حرب.

٢٤. يُعدّ الهجوم على السفينة الحربية «إيريس دنا» انتهاكًا صارخًا لقواعد القانون الدولي الإنساني والأعراف الدولية ذات الصلة. فقد استهدف هذا الهجوم، على نحو متعمّد، سفينةً عسكريةً في أعالي البحار، وأسفر عن مقتل ٨٤ بحارًا وتعريض الناجين لخطر جسيم، بما يشكّل خرقًا واضحًا لمبدأ التمييز بين الأهداف العسكرية والمدنية، وكذلك بين المقاتلين وغير المقاتلين (اتفاقية جنيف الأولى، المادة ١٢؛ القانون الدولي الإنساني العرفي، القاعدتان ١ و ٧ وفق دراسة اللجنة الدولية للصليب الأحمر).

كما يتعارض هذا الفعل مع مبدأ التناسب، الذي يحظر الهجمات التي قد تُسفر عن خسائر في صفوف المدنيين تكون مفرطةً قياسًا إلى الميزة العسكرية المباشرة والملموسة المتوقعة (البروتوكول الإضافي الأول، المادة ٥١، الفقرة ٥). كذلك، لم تُراعَ متطلبات مبدأ الاحتياط في تخطيط وتنفيذ العمليات العسكرية (البروتوكول الإضافي الأول، المادة ٥٧).

وعلاوةً على ذلك، فقد أدّى هذا الهجوم إلى إلحاق معاناةٍ وأذى غير ضروريين بأشخاصٍ باتوا في وضع عاجز عن الدفاع عن أنفسهم، في مخالفةٍ لحظر استخدام الوسائل والأساليب التي تُسبب معاناةً مفرطةً أو غير ضرورية (القانون الدولي الإنساني العرفي، القاعدة ٧٠).

٢٥. ومن منظور القانون الدولي العام، فإن تنفيذ هجوم في أعالي البحار وخارج مناطق النزاع المسلح، دون وجود تهديدٍ وشيك، قد يرقى إلى عملٍ عدواني وينطوي على انتهاكٍ للمادة ٢(٤) من ميثاق الأمم المتحدة. كما أن توصيف تدمير السفينة على أنه «موت هادئ» يعكس استخفافًا بقيمة الحياة الإنسانية وبالالتزامات القانونية الواقعة على عاتق الدول، ويُنشئ سابقةً خطيرة من شأنها تقويض النظام القانوني الدولي.

٢٦. كما أن «قتل أو إصابة أفراد العدو غدراً» يُعد جريمة حرب، ويُلاحظ هنا استخدام الخداع عبر التفاوض كوسيلة للقتل، كما أن اغتيال القيادة العليا والمسؤولين والقادة يدخل في نطاق «القتل الغادر».

٢٧. إضافةً إلى ذلك، فإن «تدمير أو الاستيلاء على ممتلكات العدو» يُعد جريمة حرب ما لم تقتضه ضرورة عسكرية. وكذلك «الهجمات المباشرة على الأماكن والمعدات والوحدات الطبية ووسائل النقل والأفراد الذين يستخدمون الشارات الخاصة المنصوص عليها في اتفاقيات جنيف» تُعد جرائم حرب.

٢٨. وقد قامت الولايات المتحدة الأمريكية، عبر قواعدها في أراضي دول ثالثة، والكيان الصهيوني، باستهداف المستشفيات، والبنى التحتية، وسيارات الإسعاف، والمباني والأماكن التاريخية، والمدارس، والقاعات الرياضية، ومصافي النفط والغاز، وخزانات النفط، والمجمعات الترفيهية على الطرق، والجسور والطرق السريعة، والمجمعات السكنية، والممتلكات الخاصة، والحدائق، ومراكز الشرطة، ونقاط التفتيش. كما استهدفت الولايات المتحدة سفينة «دنا» الإيرانية، وهي غير مسلحة وخارج منطقة القتال، بشكل متعمد. كما استهدف الكيان الصهيوني السكان المدنيين والأعيان المدنية.

٢٩. ونتيجة لهجمات كلا المعتدين، تضرر أكثر من ١١٠ موقعاً أثرياً في البلاد، وتضرر نحو خمسين ألف وحدة سكنية، وتعرضت عدة مستشفيات للهجوم. كما استشهد ما يقرب من ٢٢٧ امرأة، وأصيب حوالي ٣٢١٠ نساء. كما استشهد ٢٠٤ من هم دون ١٨ عاماً و١٣ من هم دون ٥ سنوات، ضمن شهداء حرب رمضان.

٣٠. وبناءً عليه، يمكن القول إنه بالإضافة إلى فعل العدوان، فقد ارتكبت في الهجمات العدوانية الأخيرة جرائم حرب بأشكال متعددة.

### **د: المنظمات الدولية والحرب العدوانية التي تشنها الولايات المتحدة والنظام الصهيوني وبعض الحكومات المجاورة ضد الجمهورية الإسلامية الإيرانية**

٣١. وبالنظر إلى أن فعل المعتدين يُعدّ انتهاكاً لقاعدة آمرة مُنشئة للالتزام مُطلق الشمول ( erga omnes)، فإن الواجب لا يقتصر على الدول فحسب، بل يشمل أيضاً المنظمات الدولية بوصفها ركائز المجتمع الدولي، إذ يتعين عليها اتخاذ موقفٍ مناسب. ويشمل ذلك المنظمات العالمية والإقليمية على حدّ سواء.

٣٢. وفيما يتعلق بالمنظمات العالمية، يمكن الإشارة إلى منظمة الأمم المتحدة. فالهدف الأساسي للأمم المتحدة، وفقاً للمادة (١) من الميثاق، هو حفظ السلم والأمن الدوليين. وفي هذا الإطار، وطبقاً للمادة (٢٤)، تقع المسؤولية الأساسية عن حفظ السلم والأمن الدوليين على عاتق مجلس الأمن. وبموجب المادة (٣٩)، يتعين على مجلس الأمن أن يحدد وجود تهديد للسلم أو إخلال به أو وقوع عمل عدواني. وقد بدأ الفعل المرتكب ضد إيران بوصفه حرباً عدوانية. والجمهورية الإسلامية الإيرانية تمارس، في إطار القانون الدولي، حقها الأصيل في الدفاع عن النفس. ومع ذلك، فإن مجلس الأمن، والاتحاد الأوروبي، ومجموعة البريكس، لم تُبدِ - للأسف - أي رد فعل إزاء أعمال الولايات المتحدة والنظام الصهيوني والحكومات المجاورة.

٣٣. وإضافةً إلى ذلك، فإن المسؤولية الأساسية عن حفظ السلم والأمن الدوليين تقع على عاتق مجلس الأمن، غير أن معنى ذلك لا يعني احتكار هذه المسؤولية من قبله. فليس فقط في حالة شلل المجلس بسبب الفيتو، بل أيضاً في الحالة التي يتخذ فيها المجلس قراراتٍ تتعارض صراحةً مع ميثاق الأمم المتحدة، يتعين على الجمعية العامة أن تتحرك لحماية القيم التي أقرها الميثاق.

٣٤. وعلى الصعيد الإقليمي، يمكن الإشارة إلى الاتحاد الأوروبي، ومجموعة البريكس، ومنظمة الدول الأمريكية، والاتحاد الأفريقي، وجامعة الدول العربية، ومجلس التعاون لدول الخليج الفارسي، ومنظمة التعاون الإسلامي، ومنظمة شنغهاي للتعاون.

### هـ: المسؤولية الدولية

٣٥. أولاً، تطرح المسؤولية الدولية للدول عن الأفعال غير المشروعة دولياً. وفي هذا السياق، لا تقتصر المسؤولية على الولايات المتحدة الأمريكية والنظام الصهيوني، بل تشمل أيضاً الدول التي وضعت أراضيها في تصرف هذه الأنظمة لارتكاب أعمال العدوان وجرائم الحرب. كما تشمل أي دولة أخرى ساهمت بأي شكل في ارتكاب الفعل غير المشروع دولياً. وبالنظر إلى آثار المسؤولية، فإن الدول المخالفة ملزمة بإنهاء أفعالها غير المشروعة في أقرب وقت. ويُعدّ جبر الضرر أثراً أساسياً آخر للمسؤولية الدولية.

وبما أن الأفعال محل البحث تُعدّ أعمال عدوان، فإن كل عضو في المجتمع الدولي ملزم بإدانتها. وإذا وُجد أساس اختصاص، فعليه اتخاذ الإجراءات وفق المادة (٤٨) من مشروع مواد المسؤولية الدولية، والامتناع عن أي شكل من أشكال المساعدة أو الإعانة للمخالفين. إن حظر فعل العدوان بوصفه قاعدة أمرّة يُنشئ التزامات تجاه المجتمع الدولي ككل. كما أن المنظمات الدولية ملزمة أيضاً بإدانة هذه الأفعال.

٣٦. وإلى جانب مسؤولية الدولة، تُطرح أيضاً المسؤولية الدولية للمنظمات الدولية، ولا سيما فيما يتعلق بمنظمة الأمم المتحدة وبشكل خاص مجلس الأمن. إذ يتمثل الهدف والواجب الأهم للأمم المتحدة في حفظ السلم والأمن الدوليين. وبالنظر إلى تحركات الولايات المتحدة في الأشهر الأخيرة، كان واضحاً أنها بدأت بالتهديد باستخدام القوة المسلحة، وهو أمر محظور بموجب ميثاق الأمم المتحدة، ثم انتقلت إلى الاستخدام غير المشروع للقوة المسلحة على شكل عدوان. وفي كلتا الحالتين، كان يتعين على مجلس الأمن اتخاذ تدابير لمنع أو وقف هذا العدوان وانتهاك السلم والأمن الدوليين. وعليه فإن الإخلال بالالتزام الدولي من قبل الأمم المتحدة، سواء بالفعل الإيجابي أو الامتناع، يُنشئ مسؤولية دولية.

٣٧. ومن أنواع المسؤولية الأخرى ذات الصلة بالأحداث الأخيرة، المسؤولية الجنائية الفردية. فوفقاً لقواعد مشروع المسؤولية الدولية والاجتهاد القضائي الدولي، فإن إسناد المسؤولية الدولية إلى الدولة أو المنظمة الدولية لا ينفي المسؤولية الجنائية الفردية. ومن المؤكد أن فعل العدوان المرتكب من قبل

المعتدين يُعد أيضاً جريمة عدوان. وبالتالي فإن المسؤولية الجنائية تقع على عاتق المسؤولين السياسيين والعسكريين. كما تشمل المسؤولية الجنائية مرتكبي الجرائم الحربية التي ارتُكبت في سياق جريمة العدوان، بما في ذلك الآمرون، والشركاء، والمساهمون، وكل من كان له دور في ذلك.

وبشكل خاص، في الحالات التي تُستخدم فيها أراضي دولة الأردن أو قبرص – باعتبارهما من الدول الأطراف في النظام الأساسي – لتنفيذ هجمات ضد الجمهورية الإسلامية الإيرانية، يمكن للمدعي العام للمحكمة الجنائية الدولية أن يباشر تحقيقاً في جريمة العدوان، شريطة قبول الأردن لتعديلات كامبالا. ويُشار إلى أن قبرص قد قبلت هذه التعديلات.

## و: الطلبات

٣٨. يتعين على الجمهورية الإسلامية الإيرانية أن تبادر بصورة جدية ومستمرة إلى مطالبة الدول والهيئات الدولية بإدانة الأعمال الإجرامية التالية، ومتابعة الحصول على التعويضات وجبر الضرر من المسؤولين عنها:

- أ. العدوان واستخدام القوة ضد سلامة أراضي الجمهورية الإسلامية الإيرانية؛
- ب. الهجوم المتعمد على مدرسة «شجرة طيبة» في ميناب ومقتل ١٧٠ طفلة تلميذة، وقتل الأطفال والنساء، بمن فيهم عدد كبير من الطلبة الجامعيين؛
- ج. قتل المحامين والقضاة وخبراء القضاء في مدينة لارستان (محافظة فارس)؛
- د. اغتيال المسؤولين الرسميين في الجمهورية الإسلامية الإيرانية، ولا سيما القائد الراحل وأعضاء الحكومة والمسؤولين السياسيين؛
- هـ. التدمير المتعمد للآثار التاريخية والتراث الثقافي الإيراني، خصوصاً في أصفهان (مسجد شاه)، خرم آباد (قلعة فلک الافلاک)، وطهران (قصر گلستان) وغيرها؛
- و. الهجوم على المنشآت المدنية، ومصادر الطاقة، والبنى التحتية الحيوية (ومنها: محطة تحلية قشم، محطة بوشهر، ومرافق مصفاة عسلويه)؛
- ز. التسبب بكوارث بيئية (مثل قصف خزانات النفط الكبرى داخل طهران ومدن أخرى).

٣٩. تذكّر الجمهورية الإسلامية الإيرانية الدول الأطراف في اتفاقيات جنيف لعام ١٩٤٩ بالتزاماتها وفق المادة المشتركة الأولى، لضمان التزام الولايات المتحدة والنظام الصهيوني بأحكام هذه الاتفاقيات، ولا سيما الاتفاقية الرابعة والبروتوكول الإضافي الأول.

٤٠. تقوم الجمهورية الإسلامية الإيرانية بمراجعة الاتفاقيات الثنائية مع الدول المجاورة، وتفعيل آليات تسوية النزاعات المنصوص عليها فيها لإثارة مسؤوليتها الدولية.

٤١. على الجمهورية الإسلامية الإيرانية - مع مراعاة نموذج دعوى جنوب أفريقيا ضد النظام الصهيوني، وغامبيا ضد ميانمار - الدخول في مفاوضات مع الدول المتوافقة لرفع دعاوى ضد النظام الصهيوني والولايات المتحدة الأمريكية.

٤٢. تدرج الجمهورية الإسلامية الإيرانية رفع الدعوى أمام هيئة التحكيم الخاصة بإيران والولايات المتحدة بموجب إعلان الجزائر، مع تقديم طلب التدابير اللازمة إلى المحكمة في الوقت نفسه.

٤٣. وفي إطار السياسات الوقائية والردعية ضد العدوان، يُوصى لحكومة الجمهورية الإسلامية الإيرانية ومجلس الشورى الإسلامي بما يلي:

أ. إعادة النظر في استمرار عضوية إيران في معاهدة عدم انتشار الأسلحة النووية (NPT) وفقاً للمصالح الوطنية؛

ب. مواصلة فرض القيود على عبور مضيق هرمز أمام سفن أطراف النزاع، وكذلك الدول المتعاونة في تنفيذ العقوبات الثانوية الأمريكية؛

ج. وضع أجندة لتأسيس نظام قانوني جديد لمضيق هرمز للمستقبل؛

د. الإسراع في إقرار مشروع قانون الجرائم الدولية من قبل مجلس الشورى الإسلامي وتفعيله من قبل الجهات القضائية والتنفيذية.

٤٤. تقوم النيابة العامة، استناداً إلى المادة (٩) من قانون العقوبات الإسلامي والمادة (٢٩٠) من قانون الإجراءات الجنائية وسائر القوانين، بما يلي:

أ. تهيئة الأرضية لرفع الشكاوى أمام المحاكم الوطنية والدولية ضد المسؤولين السياسيين والعسكريين الأمريكيين والصهاينة ومسؤولي الدول المجاورة المشاركين في هذه الحرب العدوانية؛

ب. جمع وتوثيق وتصنيف الأدلة الخاصة بالجرائم الأخيرة، وإرسالها على مراحل إلى سفراء الدول والمنظمات الدولية العالمية والإقليمية؛

ج. توفير التسهيلات اللازمة لتمكين ضحايا جرائم الحرب من اللجوء إلى آليات الشكاوى الفردية والمعاهدات الدولية.

٤٥. ينبغي إثارة مسؤولية الأمم المتحدة الدولية ومتابعتها عبر الأجهزة المختصة. فوفقاً للمادة (٢٤) من ميثاق الأمم المتحدة، يتحمل مجلس الأمن المسؤولية الأساسية عن حفظ السلم والأمن الدوليين. ورغم التصريحات والتحذيرات الأمريكية المبكرة، وكذلك تهديدات النظام وإرسال قوات إلى المنطقة، لم يتخذ

مجلس الأمن أي إجراء لمنع الإخلال بالسلم والأمن الدوليين، وحتى بعد وقوع العدوان. وعليه فقد أخذ المجلس بواجباته. وطبقاً للمادة (٣٩)، يجب على المجلس تحديد وجود تهديد للسلم أو إخلال به أو وقوع عمل عدواني، واتخاذ التدابير اللازمة بموجب المادتين (٤١) و(٤٢). وبناءً عليه، فإن المجلس والمنظمة ككل يتحملان مسؤولية دولية. وقد تنسحب هذه المسؤولية أيضاً على مجلس التعاون لدول الخليج الفارسي، الذي كان بإمكانه منع استخدام أراضي الدول الأعضاء في ارتكاب أعمال العدوان.

٤٦. وفي إطار الاستفادة من آليات مجلس حقوق الإنسان، يُطلب من الأمين العام للأمم المتحدة إجراء تحقيق مستقل في الانتهاكات الجسيمة للقانون الإنساني الدولي.

٤٧. يتعين على المحققين والمحامين في جميع أنحاء العالم، بصفتهم المدافعين الرئيسيين عن العدالة، أن ينهضوا بمسؤولياتهم الأخلاقية والمهنية عبر:

أ. طرح الجرائم المختلفة المرتكبة في الحرب العدوانية الرمضانية بوسائل متعددة أمام الرأي العام والنخب العالمية.

ب. التأكيد على أن هذه الجرائم لا تطال إيران وحدها، بل تمسّ الإنسانية والقيم المحمية دولياً مثل حقوق الإنسان، والسلم والأمن الدوليين، وحماية المدنيين، وكرامة الإنسان.

ج. إبراز وفضح ضرورة حياد مجلس الأمن وأجهزة الأمم المتحدة، ووجوب توافق أعمالها مع الميثاق، وإدانة ازدواجية المعايير لدى مجلس الأمن والاتحاد الأوروبي في مواجهة العدوان والجرائم الدولية، والتجاهل لحقوق الشعب الإيراني.

٤٨. ينبغي على الأكاديميين الإيرانيين ونقابات المحامين الإيرانية التواصل مع نظرائهم داخل إيران وخارجها في مختلف الدول، والعمل على إنتاج أدبيات علمية وتوثيق مهني للجرائم المرتكبة ضد بلادنا. ويمكن أن يشمل ذلك تأليف الكتب، والبحوث القصيرة، وعقد الندوات العلمية، وإطلاق الحملات البحثية.

\*\*\*

وفي الختام، يُدَّكر بأن هذه البيان، بوصفه وثيقة قانونية، يؤكد ضرورة احترام القانون الدولي ووجوب محاسبة منتهكيه، ويدعو إلى تحرك جاد من المجتمع الدولي في هذا الشأن.

### جمع من حقوقي إيران

٢١ مارس ٢٠٢٦ م = الموافق ل ١ فروردين ١٤٠٥ هـ. ش / ١ شوال ١٤٤٧ هـ. ق